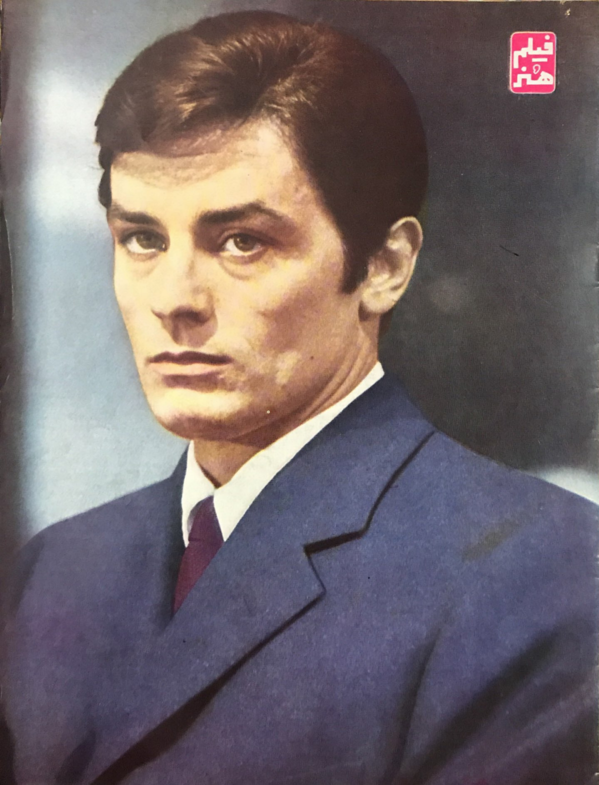

فیلم و هنر



آلن دلون سامورائی مدرن !

● «آلن دلون» درصدر لیست آکتور های جوان و هنرمندی چون «ترنس استامپ ، آلن بیتس ، دیوید همینگز و مایکل کین» قرارگرفته است .

«آلن دلون» چون این چند تن نمایشگر پرسوناژ یك مرد حساس و مدرن امروزی است ، او سمبل رومانتیسم یك مرد واقعی است ، کمی وحشی اما تا اندازه‌ای سرشار از احساسات شاعرانه، «دلون» پاسخگوی واقعی زنهای امروزی است ، زنها او را موجودی می‌پندارند که می‌توانند همه رویاهای خود را در وجود وی خلاصه کنند ، «دلون» را خواستنی ـ ترین آکتور این عصر لقب داده‌اند، چرا که نیاز درونی هر زنی را با توجه به احساسات و تمنیات روحی آن زن قادرست پاسخ بدهد .

«دلون» را جسورترین و باجرأت ـ ترین آکتور این عصر قلمداد کرده‌اند چراکه وحشتی ندارد درفیلم هرگونه پرسوناژی را بعهده بگیرد ، خواه منفی ، مثبت ، کوچك و بزرگ .... از آن جمله است فیلم جدیدش موسوم به «ساموراٸی» که در آن نقش یك «گانگستر» را بعهده دارد .

«ساموراٸی» سرگذشت مردی است که مرتکب جنایت می شود و سرنوشت او بستگی پیدا می‌کند به اظهاراتی که معشوقه‌اش به پلیس اظهار خواهد داشت .

« دلون » که این فیلم را با همسرش «ناتالی» و هنرپیشگانی چون « فرانسوار پریه و ژاك لروی » بکارگردانی « ژان پیرملویل » در مورد پرسوناژ محوله خود در فیلم «ساموراٸی» چنین گفته است .

ـ «این نقش مشکل است ، چون من هیچگاه شخصاً با یك گانگستر آشنائی نداشته‌ام، معهذا اگر داستانی خوب نوشته شده باشد ، خودش به تنهائی میتواند آکتور را بخوبی راهنمائی کند ، بسیاری از صحنه ها در داستان هستند که جنبه روائی و مشخصات کاراکتر پرسوناژ مورد نظر را معرفی می‌نماید .

از این نظر «ساموراٸی» بدون شك اثری خواهد شد که از تمام نقایص بدور خواهد بود ، با اینحال یك آکتور کنجکاو و متجسس از زندگی روزمره ، و مردمی که اطراف اش هستند می‌تواند برای تجسم پرسوناژ ـ ها الهام بگیرد ، من خودم وقتی در خیابان راه میروم ، در اتوبوس ، در کافه ـ از مردمی که می‌بینم هزاران نکته می‌آموزم که برای حرفه‌ام بسیار مفید هستند ، اشتباه است اگر فکر کنیم که یك آکتور ،وجودی غیر از دیگران است ، هنرپیشه باید دائماً با مردم در تماس بوده و خصوصیات کاراکتر های مختلف را از نزدیك ببیند ـ«ساموراٸی» یك فیلم خیلی ... است، گرچه‌در «ساموراٸی» نتوانستم از این خصوصیت کاری‌ام بهره ... معهذا چون یك داستان خوب و ... شده دارد و بعلاوه از یك کارگردان خوب برخوردار می‌باشد .»

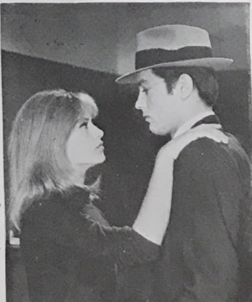
« ساموراٸی » محصول مشترك «فرانسه‌وایتالیا» است‌و بجز هنرمندانی که‌درفوق نام‌برده شد «میشل بوآرون» کارگردان نخستین فیلم معروف «آلن دلون» موسوم به«زنها طاقت ندارند» نیزدرفیلم «ساموراٸی» نقش کوتاهی دارد .

«ناتالی دلون» تحت نام «ناتالی ساند» برای اولین‌بار در این فیلم ایفای نقش می کند ، «ژان‌پیرملویل» کارگردان فیلم « ناتالی » را بخاطر زیبائی‌اش و بخاطر حالت خاصی که در او یافته بود برای بازی در این فیلم انتخاب کرد . مشاهده زندگی خصوصی این زوج او را وادار کرد که روابط آنها را بهمین صورت که هست روی پرده مجسم سازد، ناتالی تا بحال در هیچ کلاس دراماتیکی شرکت نکرده و کارگردان فیلم نیز همین را می‌خواست که او مثل یك الماس پاك وبکر باشد تا بتواند وی را مطابق دلخواهش عمل آورد .

رل «دلون» یك «ساموراٸی» مدرن است که در نقش یك گانگستر دارای خصوصیات اخلاقی یك ساموراٸی (جنگجوی مزدور) باشد . وقتی از «آلن دلون» در مورد شرکت «ناتالی» همسرش در فیلم موافقت وی سئوال شد وی چنین اظهار داشت :

ـ «چرا من مخالفت کنم» خیلی هم خوشحال میشوم که او ستاره بزرگی بشود ، این راهی است که خودش انتخاب کرده و با آزادی کامل ومن هرگز نخواسته‌ام مانع آن بشوم، در زندگی هرکس مسئولیتهائی دارد که باید به آنها توجه کند ، پیشنهاد «ژان‌پیر ملویل» سخت جلب نظر «ناتالی» را کرد و بازی در فیلم ساموراٸی را پذیرفت ، اصولاً ناتالی بقدری زنده وپر جنب وجوش است که حتماً باید فعالیت واشتغال ذهنی دیگری غیراز

بقیه در صفحه ۳۵





● ۱- ایرن‌دون بالباس میدی درسال ۱۹۳۰- ۲- جون‌کرافورد وفردآستر ۳- دوریس دی با مد «میدی ژوپ» خود!





● ۱- جین شریمپتون ۲- مارلو توماس درفیلم «آن دختر» وجولی کریستی درحضور پرنس مارگارت

مد و زیبائی

دو حلقه زنجیری که مردهارا بدام میاندازد!

■ زن وزیبائی، ازآغازخلقت تاکنون، دوعنصر منفردازهم نبوده‌اند. گل زیبائی را دروجودزن سرشته‌اند وزنی که‌ازاین‌نعمت به‌حدکافی برخوردار باشد، گوئی جادوی حیات‌رادررگ‌ها وپیوند های درون خود انبان کرده است. از گذشته های دور گفته‌اند و اینك‌نیزورد زبان همه بخصوص‌مرد-هاست‌که زیباترین موجودی که خدا آفریده، جز یك‌زن، کس دیگری‌نیست و این زن زیباست که‌با طرح آرزو-های هوسبارش و یا عریانی جسم دلارایش، و به‌کمك «مد وزیبائی»اش مردرا واله وشیفته خود میسازد واو را پریشان‌تر ازگذشته، برجای می-نهد وسودای دیگری را در دل می-پروراند.

«مد» جان و عصاره حیاتی یك زن زیباست. از زمانهای دور، از گذشته‌هائی که درآن زن یونانی، زن مصری و زن عبرانی و رومی زیست میکرد، پیوسته این «مد» مطرح‌بوده و هر زمان، باتحول همه جانبه ای، سیمای‌جدیدی پیداکرده است. شیوه-های آرایش و زیبا نمودن و زیبا جلوه‌گر شدن زنهای ادوارگذشته‌گو آنکه فرق میکرده، ولی همه‌آنها یك چیز را درمد نظر داشتند و آن این بودکه هرچه بیشتر، مرد ها را اسیر خود سازند وباجادوی زیبائی خود، آنهارا تشنه‌تر وعاشق‌تر نگاهدارند.

یك زن برای توجه مرد یا مردان زندگی خود، بهر طریق که میداند، شیوه‌های مخصوص بکارمیبرد تاآن مردرا بسوی خود جلب‌نماید و وبوسیله یك یا دوحلقه زنجیر، اورا به اسارت بکشد، این دو حلقه یکی «مد» است ودیگری «زیبائی» طبیعی یامصنوعی اوکه میزان این دو نوع زیبائی، در نزد هر زنی فرق پیدا میکند. این‌زنها بخصوص‌تقلیدپذیرند، مدام مجله‌های مد را ورق میزنند و زیرورو میکنند، به‌سینما میروند، به مد لباس ستارگان سینما خیره‌میشرند وبادقت سعی درآن دارندکه عین آن مدل را برای اندام خودطرح‌کنند و بدوزند. ازاین‌نظر سینما جلوه‌دیگری برای زنهای معمولی دارد؛ جلوه‌پر-رونقی که زن های خارج از اکران سینما، آرزوی تصاحبش را دارند و نیز این‌هوس در دلهایشان‌مرتب‌موج میزندکه روزی اندام وشیوه آرایش خودرا عیناً بصورت آن ستاره سینما، درآورند.

یکی ازکسانی‌که دراین سال، آن شور و اشتیاق همیشگی‌را درمورد مد لباس و طرح دوخت آن در دل زن‌های معمولی شعله‌ور کرد، «فی-داناوی» ستارهٔ معروف سینماست‌که‌با فیلم «بانی وکلاید» غوغائی برپاکرد که این هنگامه وغوغا، جهان مد را دگرگونی بخشید وبه‌آن تحول‌تازه‌ای داد.

«فی داناوی» به نقش یك زن سارق وجانی درسال ۱۹۳۰ دربانی و کلاید ظاهر شد وبالباسی که در آن سالها می‌پوشیدند، مدلی بنام«میدی» ژوپ که رونق آن فراوان بوده و ستارگان سینما هم ازپوشیدن‌این‌نوع مد ابائی نداشتند، چه زمانه اینطور طلب میکرده است.

مثلا«ایرن‌دون» زنی‌که‌برازنده مد بوده ولباس «میدی» او در سال ۱۹۳۰ تاقوزك پایش میرسیده است یا «جوان کرافورد» ستاره معروف این زمان‌که با فردآستر درفیلمی با این مد دلپذیر آن زمان، ظاهرگشته‌است، ازهمه خوشمزه‌تر، لباس‌بلند«دوریس دی» ستاره موزیکال آن‌زمان است‌که در مد «میدی» از همه خنده دار تر بوده است!

«فی داناوی» باظاهر شدن با این مد دراین فیلم، تحولی در روح

بقیه درصفحه ۳۶

رسوائیهای سینما

● فقط پنج زن ادعا کردند که از «براندو» فرزندی حامله هستند ولی زنهائی که با او رابطه داشتند خارج از شمارش است



● هزارها جنجال و نزاع در روز و شب بین آدمها روی میدهد ، هزاران زوج در زندگی زناشوئی خودگاه منحرف میشوند و یا اختلافاتی دارند که البته و صد البته هیچکس خبر نمیشود، اما در مورد هنرپیشگان غیر از اینست ، یك اشتباه کوچك یك هنرپیشه ، اندك کجروی یك ستاره بصورت یك خبر مهم وعمده روز در بزرگترین نشریات جدی و خبری دنیا منعکس میگردد، چرا که زندگی خصوصی یك هنرپیشه سینما متعلق بهخودش نیست واین قیمتی است که هر هنرپیشه سینما در قبال شهرت و ثروتش باید بپردازد ، هنرپیشه سینما مورد توجه است، بخاطر شهرت ومحبوبیتی که دارد ، بدیهی است که هرحادثه کوچکی در اطرافش برای علاقمندان و همه کسانی که اورا میشناسند جالب توجه است ، در واقع در اینجا حجم گناه مطرح نیست ، بلکه آنچه اهمیت دارد بزرگی، محبوبیت وشهرت «گناهکار» است.

کارهائی که یك هنرپیشه در روز انجام میدهد ، هزاران هزار آدم معمولی درسراسر گیتی بنحوی بدان اشتغال دارند ویازمانی بدان پرداختهاند، اشتغال به نوعی فضاحت و بیپروائی ورسوائی امثلا باوجود داشتن همسر پرداختن به زن دیگری ! این چیز تازهای نیست کما اینکه در مورد «برتون» هم نمیتوانست تازه باشد خصوصاً اینکه همسر این عالیجناب قبلا از این قصهها دراز داشته است ، شاید توجه «برتون» بهیك دختر برزیلی خوش چشم و ابرو بنام «فلورنیدا بولکان» یك جور انتقامجوئی از «لیز» باشد اما بهرحال ایشان در سفرشان به ایتالیا ، عاشق این دختر سی و دو ساله شد ، برخوردشان با یکدیگر در فستیوال «ونیز» بود و «فلورنیدا» سعی داشت که به سینما راه یابد و «برتون» یاریش کرد وحالا این علیا مخدره با جناب «برتون» سروسری دارد وبدین ترتیب ایشان به ثبوت رسانیدهاند که نوبتی هم باشد این دفعه نوبت جفاکاری و بیوفائی «آقا» است!

این اولین جنجال رسوائی‌آمیز سینما نیست وقطعاً آخرینشان هم نخواهد بود مثلا همین اواخر جناب «شون کانری» که هوس وجود اشتیاق برانگیز گربهوحشی معروف ودوم شخص فرانسه «بریژیت باردو» را نمودند و حتماً اطلاع دارید که رقابتی بودما بین ایشان واستیفن بوید بر سر بودن «بریژیت» در حالیکه «گونتر ساکس» همسر سابق! بریژیت در جریان فیلمبرداری حی و حاضر بود که البته افراط جیمز باند سینما آنچنان بالا گرفت که به بیمارستانی درسویس منتقلشان کردند !!

از این نوع خبرها بخواهید زیاد است مثلا «جیمی براون» هنرپیشه تازه بدوران رسیده سینمای آمریکا که فیلمهای معروفی چون «دوازده مرد خبیث» و «مزدوران» دارد ، کلی گرفتاری برای «پلیس» فراهم آورده که جریانش از اینقرار است ، این هنرپیشه قوی هیکل سیاهپوست که از مدتی قبل با یك دختر سفید پوست روابطی داشته ومعلوم نمیشود که بچه دلیلی از آقای «براون» کتك مفصلی نوش جان میکند و اگر همسایهها بموقع نرسیده بودند معلوم نبود که جریان بهکجا منتهی میشد ، این کتك کاری راخیلی ازهنرپیشههای هالیوودی در سرشت خوددارند، مثل «مارلون براندو» که البته حالا دیگر آن روح عصیانگر و شورشی سابقش را نداردولی هنوز همسن و سالهای «براندو» مثل «رابرت میچم» ویا «فرانك سیناترا» هستند که گاه و بیگاه ازاین قبیل شورشها پدید میآورند.

بالفرض «فرانك سیناترا» با آن قدوهیکل ریزهمیزه واستخوانی،

از «جاهل» های معروف سینمائی است که دست بزن «حسابی» دارد! وتا حالا خیلی‌ها را به بهانه‌های جزئی کتك زده است.

و «رابرت میچم» یکی‌دیگر از هنرپیشگانی است که باصطلاح سرش برای دعوا درد میکند و ماهی یکبار نیست که «میچم» چند روز بزندان نیافتاده باشد، وی‌بارها بجرم رانندگی درحال مستی، کتك‌زدن‌اشخاص،لات‌بازی وتظاهرات‌مستانه با پلیس‌سرشاخ شده است واین به قولی یکی‌از بهترین و مطبوعترین تفریحات اوست.

مرکز رسوائی‌های سینمائی «هالیوود» است واین از دیرباز در «هالیوود» مرسوم بوده،زمانی که ستارگان سینما تنها با کمك استعدادهای ذاتی خویش درهای بسته استودیوها را بروی خود گشودند وبزندگی‌های افسانه‌ای دست یافتند و بعد در زمان رودلف والنتینو و چارلی چاپلین دورانی که درآمد سرشار هنرمندان محبوب ومورد پرستش بودنشان، کمبود مالیات وفقدان سانسور! بقولی روزگاران طلائی سینما ... برتر بودن ومرفه بودن تدریجاً سبب شدکه پارتی مجلل وبساط عیش ونوش‌های افسانه‌ای برپا شود، تدریجاً آنقدرفضاحت بالاگرفت که مطبوعات دست بکار شدند وکم‌کم مردم به خصوصیات واقعی هنرمندان مورد نظرشان پی بردند. بالفرض دانستند که آنها معتاد هستند ویا به روابط زناشوئی خود چندان پای بند نیستند و همچنین اینکه بالفرض محبوب ترین‌هنرپیشه‌روزانحراف جنسی دارد! وتدریجاً هنرمندان در زندگی خصوصی‌اشان از نظر عامه‌حالت یك‌غول‌بدهیبت گرفته، حال آنکه بتهای سینمای روزدر زندگی داخلی خود دارای‌شکوه و جلال فراوان بودند و میتوان گفت که هنرپیشگان در واقع نوعی زندگی اشرافی داشتند، هنرپیشگان که بیشتر به افسانه شباهت داشت. هنرپیشگان‌بزرگ روزگار گذشته از قبیل رودلف والنتینو، رامون ناوارا، جان باریمور، داگلاس فربنکس پسرو چارلی چاپلین که باظاهر شدن در فیلم‌های عشقی وحادثه‌ای‌میلیونها دلارپول‌روانه جیب‌تهیه کنندگان هالیوود نمودند، اگر درمواردی مثل «چارلی چاپلین» که دختر خانمی ادعا کرد که فرزندی از «چارلی چاپلین» درشکم دارد که البته‌کاربدادگاه کشید،سبب‌شوریدن مردم‌نسبت به‌فضاحت کاری«چارلی» شد وچه جار وجنجالی که درآن زمان برپا شد. اما امروزوآدم‌هائی‌بااعصاب‌خوردشده‌وروحیه‌ای که تحت تأثیر زندگی شتاب‌زده ماشین است، این مسائل چندان اهمیت ندارند، بالفرض درمورد مارلون براندو تا بحال پنج زن ادعا داشته‌اندکه فرزندی که در دل دارند از آن «براندو» است ولااقل درسه‌موردش کار بدادگاه کشیده شد که نه تنها مردم بر علیه‌اش نشوریدند‌بلکه خیلی‌بی‌تفاوت از روی آن گذشتند و یا مثلا«استیفانیان‌ساندرلی» ستارهٔ فیلم‌های «طلاق ایتالیائی وفریب خورده ورها شده» ازیك‌هنرمند معروف دارای فرزندی‌شد، منتها ایشان از کسی شکایت نداشت و حالا هم‌به‌نگهداری‌بچه‌اش‌مشغول است وازآن هنرپیشه معروف‌فقط شغلش یعنی اینکه هنرپیشه ای هست و اتفاقاً مشهورهم هست از زبان «استیفانیان» شنیده شد نه غیر ازاین!

ازاین‌قبیلند«کاترین‌دونوو» و «کلودیا کاردیناله» هر کدام فرزندی دارندکه محصولی غیر از زندگی زناشوئی‌اشان است نه یك ازدواج مشروع و قانونی، معهذا هیچکدامشان شکایتی نداشتند.

وقتی «کلودیاکاردیناله» فرزندش را مدت ۹ سال بعنوان برادرش همه‌جا معرفی کرده بود که وقتی نقش درآمد مطبوعات ایتالیا و جهان یك سر و صدای حسابی براه انداختند که گوشه‌ای‌اش‌را ما دراینجا گرفتیم البته بسیار اندك!

بغیرازاین حدود و مواردی که اشاره شد مردم آزاری هنرمندان نیز اضافه میشود مثلا داماد سابق‌رئیس جمهوری‌آمریکا «جرج هامیلتون» که همواره در خانه‌اش باگرفتن شماره‌های‌تلفن

بقیه در صفحه ۲۶



● «کلودیا کاردیناله» مدت نه سال فرزند نامشروعش‌را برادر خود معرفی مینمود!

● «ریچارد برتن» دیگر علاقه‌ای نداردکه با «الیزابت تایلور» دمخور و دمساز باشد، این یکی از عکسهای نادر «برتن» است که با «کلودیا» به خوش‌گذرانی نشسته است!





کاترین دنوو و تجدیدخاطره «گاربو»!

■ ابرهای فراموشی پراکنده میشود و خاکستر برباد میرود، چراکه زنی فرانسوی قصد آنرا دارد که خاطره ارزنده زن دیگری را تجدید نماید و بار دیگر خاطرات کهنه‌ای را که ازاین زن درقلب آدمیان نهفته‌است، زنده نماید.

بیست سال تمام یك زن سوئدی که اول مدل بود وبعدها با فیلم‌های خود قلوب مردم سراسرجهان را تسخیر کرد وهاله‌ای از افسانه ورؤیا ورومانس به گرد خود به وجود اورد، یکه‌تاز اثار دل‌پذیری بود که سینما گران پر توان اروپائی وآمریکائی با استفاده از وجودش به‌جهان سینما تقدیم کردند. گرتا گاربو که‌درفرهنگ شخصیت‌های سینما درباره‌اش چنین رقم زده‌اند:

«صرف نظر از استعداد هنریش، سینما را باکاراکتر و شخصیت خود تحت تأثیر فراوان قرارداد. نگاهش و طرز سخن گفتن وحرکاتش در بیننده تولید نوعی احترام و احساس ستایش میکرد. روی این اصل بود که هواخواهانش باوعنوان «گاربوی جاودانی» داده‌بودند.»

«کاترین‌دنوو» تأثیر بزرگ‌تری از سایر آکتریس‌های قبلی فرانسوی روی هالیوود وسینما-گران این‌دیار نهاده‌است. میدانیم که وی اولین فیلم آمریکائیش را بتازگی تحت عنوان «احمق‌های آوریل» در نیویورك به اتمام رسانیده که نقش مقابل کاترین را هم «جك لمون» کمدین توانای آمریکائی بر عهده داشته است. منقد هنری روزنامه «نیویورك تایمز» درباره وی نوشته‌است:

«کاترین‌دنوو، تنها آکتریس فرانسوی‌است که قطعاً بصورت یك آکتریس بین‌المللی در سیستم و سبك فیلمسازی کلاسیك هالیوود، درخواهدآمد.»

او بعنوان قیمتی‌ترین وباارزش‌ترین ستاره‌ای توصیف شده که سینمای فرانسه بعداز فرستادن «مونالیزا» به‌آمریکافرستاده‌است. میدانیم که کاترین خواهری هم بنام «فرانسواز دورلئاك» داشت که مرگ این‌دختر، سخت اورا تکان‌داد وماهها اورا به‌عمق انزوا وتنهائی سوقداد.

کاترین سرانجام کابوس‌های این‌مرگ‌را پشت‌سر نهاد، دریچه‌های روشنائی‌را بروی خود گشود وازتاریکی بیرون خزید وبعداز حل مقداری مسائل خصوصی و پشت‌سر گذاشتن بارسنگین فقدان خواهر، سرانجام به‌فعالیت‌زیادی درسینما دست‌زد تاجائی که اینك بعنوان یك ستاره فرانسوی که دارد جای‌هنرمندی چون «گاربو» رامیگیرد ویك آکتریس بین‌المللی، شهرت یافته‌است. وی پس‌ازاتمام «احمق‌های آوریل» در محصولی ازکشور خود به‌کارگردانی «آلن کاوالیه» کار گردان عصیانگر تحت‌عنوان LA CHAMADE ظاهر گشته است که داستان آن ازنوولی بهمین‌نام‌نوشته «فرانسوا ساگان» بانوی نویسنده فرانسوی اقتباس شده‌است.

داستان تازه «فرانسوا ـ ساگان» که اینك «کاترین‌دنوو» نقش اول وقهرمان زن داستان‌را برعهده گرفته‌است، یك نوول حساس‌است که کاملا روی کاراکتر زنی بنام «لوسیل» بنا شده که فقط درجستجوی آزادی وخوش‌بختی‌است، دونعمتی که‌چونان دو حلقه زنجیر بهم پیوند و ارتباط دارند. دومرد درزندگی‌او وجود دارند که هردو عاشق اوهستند.

اولی «چارلز» نام دارد که اینك لوسیل بااوزندگی میکند. این‌مرد آنقدر ازهمراهی‌او لذت میبرد که باو آزادی فراوانی میدهد و آزادش میگذارد که خواسته‌های‌طبیعی خودرا بر آورده سازد. مرد دوم یعنی «آنتوان» که زن عاشق او شده‌است و به خاطرش مجبور میگردد، چارلز را ترك‌نماید، مردی‌است که اسیر غرور خودش است در پایان، هنگامی که چارلز در سوئد با با دختری پیمان عشق و ازدواج می‌بندد، لوسیل تشخیص میدهد که کجا وباچه‌کسی شانس سعادت اونهفته‌است.

«کاترین دنوو» نقش لوسیل را بازی میکند که اسیر عشق دومرداست؛ «میشل پیکولی» که ازاو فیلم «عشق من، عشق من» را دیده‌ایم، نقش «چارلز» را بازی کرده وآکتور جوان‌تئاتر «روژه وان‌هول» نقش «آنتوان» را برعهده‌دارد. این‌مرد‌بلژیکی است و۲۵سال دارد در چندفیلم ازجمله «اسکار»، «پسرهاودخترها» وفیلم‌معروف «کلوزو» زندانی بازی کرده‌است.

کارگردانی‌فیلم‌را خالق‌فیلم «عصیانگر» یعنی «آلن‌کاوالیه» برعهده داشته است که وسیله «ساگان» انتخاب گردید. عصیانگر را تحسین کردیم وامیدواریم که این اثر عشقی اوهم چون فیلم

بقیه در صفحه ۲۷

♠ با «میشل پیکولی» در صحنه‌ای از La chamade



«کاترین‌دنوو» در صحنه‌ای از «ماتون ۷۰»





مارلون براندو:

عصیانگر انسان دوست

■ ازقریب بیست‌سال پیش به‌اینطرف، این تقریباً بعید بنظر میرسد که شما هروقت از کسی پرسیده باشید که بزرگترین آکتور سینما کیست و او نامی بجز « مارلون براندو » برزبان رانده باشد. مارلون براندو در کار سینما یك «فنومن» استثنائی است. وی ازنظر زندگی‌هنریش همواره یك‌مرد بسیار موفق بوده وتوفیق زیادی در جان دادن به نقشهای‌متنوع وآفرینش کاراکتر-های متفاوت داشته‌است. از نظر کار اکتریستیك نیز، وی مرد مصمم و راسخی بوده که هیچگاه کمترین تعبیری نکرده است وی همیشه همان براندوی جسور و گستاخ و انسان دوست باقی مانده‌است. کمتر اتفاق‌افتاده که او در جریان تهیهٔ فیلمهایش باکارگردان‌ها ویاتهیه کنندگان آن فیلمها اختلاف‌نظر پیدانکند وحتی کاررا به‌مشاجره‌نیز نکشد. اما جالب اینجاست که در این مشاجرات و جرو بحث‌ها براندو همواره یك‌برنده بوده‌است تا آنجا که حتی یکبار کارگردان فیلم « شورش درکشتی بونتی » را به خاطر جلب رضایت مارلون بر-کنار کردند و شخص دیگری را بکارگردانی فیلم‌منصوب‌نمودند.

براندو درمقابل زن‌ها نیز همیشه بی‌تفاوتی وخشونت خاص خودرا حفظ کرده است. بدین لحاظ است که کسانی همچون، آناکشفی - تاریتا - ریتامورەنو موویتا و چند تن دیگر هرگز نتوانستند در نزد وی ماندگار شوند وخودرا بامختصات اخلاقی او وفق دهند. علیرغم این که چندتن آنان حتی‌ازمارلون‌صاحب بچه نیز شدند.

■ بارزترین خصلت‌اخلاقی مارلون براندو مطمئناً صفت «انسان‌دوستی» اوست. وی‌دفعات زیادی دوش به‌دوش‌سیاهان شور-بخت آمریکائی، در کنار آنها برای تحصیل حقوق حقه وانسانی آنها کوشیده‌است وزحمات‌زیادی دراین راه متحمل شده. چندین بار نیز تظاهرات شدیدی علیه جنگ ویتنام، براه انداخته وبه عنوان اعتراض به‌سیاست آمریکا در ویتنام، چند وقتی‌است شایع شده‌که وی‌ازتابعیت آمریکاخارج خواهدشد.

براندو آدمی است باتسلط واعتماد به‌نفس بسیار، وی‌همیشه سعی کرده که روی پای خودش بایستد و به غیراز خود، درپی هیچ نقطهٔ اتکاء دیگری نباشد. درامر بازیگری دارای یك‌نبوغ سرشار ذاتی است. هرگز تحت تأثیر هیچ نقشی و هیچ کاراکتر خاصی قرارنمیگیرد و بدین‌لحاظ است‌که می‌تواند ماهرانه ایفاگر هرنقشی شود.

معهذا وی ظرف چند سالهٔ اخیر در فیلم‌های کاملا متفاوتی مثل، داستان تخت‌خواب- تعقیب وکنتس هنگ‌کنگ شرکت‌جسته است.

اما در سه فیلم اخیری که براندو ظرف هیجده ماه گذشته مبادرت به‌بازی‌درآنها نموده‌است بازهم ویراایفاگر نقش‌های‌جدید می‌یابیم.

اولین فیلم این رده که یك درام تکان دهنده‌است. « انعکاس در چشمان طلائی » نام دارد و جان هوستون کار گردان باسابقه آمریکائی آنرا ساخته‌است. دراین فیلم براندو نقش‌یك‌افسر آمریکائی را دارد که گرفتار پاره‌ای انحرافات وناتوانیهای‌جنسی‌است وازروابط همسرش (الیزابت - تایلور) با یکی از افسران همسایه‌اش (بریان کیث) رنج می‌برد وخودنیزروابط نامشروعی بایکی ازسربازان زیردستش بر قرار میسازد.

بااین تفاصیل باید دید که براندوی خشن و جسور چگونه ازایفای یك چنین نقشی برآمده است.

فیلم بعدی‌او، « شب روزی که می‌آید » نام دارد و براندو درآن نقش یك‌رانندهٔ تاکسی را بازی میکند که یك دختر بچهٔ (پاملافرانکلین)نوجوان‌رامیربايد ودرپی این‌ماجراء اتفاقات‌عجیب ولرزه انگیز دیگری روی می-دهد.

این فیلم درام‌راکه‌محصولی است از کمپانی یونیور سال یك کارگردان‌جوان وبااستعداد کار-گردانی کرده‌است. براندو برای ایفای نقش راننده در این فیلم مجبور باستفاده ازیك «هیرپیس» متناسب نیز شده است تا طاسی جلوی سرش را بدین وسیله بپوشاند.

در آخرین فیلم براندو که همانند فیلم قبلی‌او « شب روزی که‌می‌آید » دراروپا فیلمبرداری شده. مارلون شاید عجیب ترین نقش دوران حیات سینمائیش را ارائه داده باشد.

وی بنا به‌دعوت « کریستیان بارکان» کارگردان این فیلم که یکی از رفقای صمیمی او است، حاضر به بازی نقش یك مرتاض صوفی مسلك هندی شده است و بدین ترتیب قیافه وهیئت وی در این فیلم‌که «کاندی» نام دارد و گروهی از هنرپیشگان معروف دیگری‌هم درآن شرکت دارند. کاملا بدیع و «انترسان» است.

مارلون براندو از زن های سابقش هم‌اکنون صاحب سه‌فرزند است. بادرنظر گرفتن زندگی هنری وی وخصائل‌عالی انسانیش درزندگی واقعی، پی‌می‌بریم که براندو به‌حق از آن دسته افراد نادر ومعدودیست‌که دنیا هرچند سال یکبار بخود می‌بیند... ■



گوش بزنگ ـ گوش بزنگ ـ گوش بزنگ ـ گوش بز...



«صد اسلحه» وسترن جدیدی است در زمینه آثار پر-هیجان که در کمپانی فوکس‌قرن بیستم‌جلوی دوربین قرار دارد. در این فیلم دوچهره روز سینمای آمریکا جیمی‌براون وراکوئل-ولش نقشهای اصلی رابرعهده دارنـد و در جریان فیلمبرداری علاقه و روابط دوستانه راکوئل‌ولش و جیمی براون محیط‌گرم فیلمبرداری را زیاد تر ازحد داغ و پرشورکرده بود.
«صد اسلحه» محصول ۱۹۶۸ کمپانی فوکس قرن بیستم است.

■ کمپانی‌کلمبیا اعلام‌کرد که «سام اسپیگل» تهیه کننده معروف وبزرگ سینما فیلمی از روی زندگی سیاستمدارانگلیسی «سرچارلز دایلك» که‌ماجرای پرهیجان وجنجال‌آمیز زندگی‌او جامعه سیاسی انـگلستان را تکان داده تهیه می کند سناریوی این فیلم را «ملوین براگ» بااقتباس‌ازبیوگرافی این‌سیاست-مدار که نویسنده‌ای بنام «رون. روی جنکینز» تحت عنوان «تراژدی‌زمان‌ویکتوریا» نگاشته است، نوشته و کارگردانی آنرا «جورج کیوکر» فیلمساز قدیمی آمریکابرعهده‌دارد. رکس‌هاریسون نقش سرچارلز را بازی خواهد کرد. دربیوگرافی‌این‌سیاستمدار نوشته شده است: «او خیلی به مقامات بالا نزدیك‌بود وهنگامی که ضربه باو وارد شد، دارای قدرت زیادی بود. او قربانی اعمال خود نشد، بلکه قربانی یك‌توطئه‌شد...»

برنامه نمایش «حمید قنبری»

● روبهمرفته نخستین برنامه نمایش «حمیدقنبری» برغم‌انتقاد وایرادات‌کوچك، که جمعه شب از «تلویزیون ملی» پخش شدگرم، صمیمی وخوب بود.

از امکانات در تهیه و اجرا تا حدود ممکن خوب استفاده شده،جنبه‌های‌سرگرم کننده (هدف برنامه) تقریباً در بیشتر جهات رعایت شده و تقریباً برنامه را در سطح ممتازی قرار میدهد و این «تقریب» و «تردید» بدلیل وجود یك نمایشنامه تکراری و یکنواخت است که آنرا تا حدودی از رونق‌انداخته بود وتماشاگر را بیاد نمایشنامه-های یکنواخت‌کسل‌کننده شما و رادیو در صبح جمعه می-انداخت دو مرتبه با همان حرفها، همان کارها و همان اداها!

مسلماً برنامه‌های‌آینده «قنبری» برتر، با ارزش‌تر وگیراتر خواهد بود وما در این فرصت برای ایشان و همکارانشان موفقیت آرزو می‌کنیم.

■ «سام اسپیگل» علاوه برتهیه این‌فیلم، فیلم «نیکولاس وآلکساندرا» را نیز تهیه‌خواهد کرد که ماجرای سقوط آخرین تزار روسیه‌است.

این‌فیلم‌را «آنتونی‌هاروی» کارگردانی خواهدکرد. این‌فیلم راکه اسپیگل برای کلمبیا تهیه میکند، داستانش از روی یك نوول پرفروش اثر «روبرت. ك. ماسی» اقتباس شده‌است. کتاب این‌فیلم در عرض دوسال گذشته جز پرفروش ترین کتابهای سال بوده‌است.

اسپیگل درباره «هاروی» گفته‌است «ازکار کردن بااوهمان قدر خوشحال هستم‌که با «دیوید لین» بخاطر فیلم «پل رودخانه کوای» بودم.» هاروی که فیلم «شیر در زمستان» ساخته اوست نیز خوشحال‌است که با اسپیگل همکاری میکند. سناریوی این

←

فیلم «دختر مضحك» و «طلای مك‌کنا» را بازی کرده بود.

رکس هاریسون و «چارلز-دایلك»

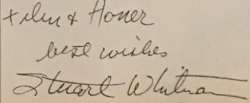
یك توضیح:

● بتحقیق‌مطالبی‌که جنبه خبری داشته باشد خوانندگان بیشتری دارد وبهمین جهت علاوه بر «رویداد»ها، صفحه «گوش بزنگ» را باب‌کردیم و در این شماره توفیق آنرا داشته‌ایم که در تعقیب خواسته های مکرر خوانندگانمان‌صفحاتش‌رابیافزائیم و مسلماً متعاقباً نیز چنانچه حجم خبرها قابل توجه باشد همچنان «گوش بزنگ» را در صفحات بیشتری انتشار خواهیم داد.

«ویتمن» و «فیلم‌وهنر»

● «استوارت ویتمن» بعد از «فرانك‌شانون»دومین نفری بود که برای انعکاس حرفهایشان تشکرمیکرد،مضافاً اینکه عکس «ویتمن» را هم چاپ زده بودیم. یادآوری کردیم‌که خوانندگان مجله، از طرفداران پروپاقرص وی هستند، وی لبخندی‌زد وبعد روی یك یادداشت این‌کلمات را که متن اصلی‌اش را نیز ملاحظه‌می‌کنید یادداشت‌کرد، «برای‌فیلم‌وهنر، با بهترین آرزوها»، و بعد با نوشتن نامش آنرا امضاءکرد و بعد گفت‌که امیدوار است در یك فرصت مناسب یك گفتگوی حسابی با ما داشته باشد، تشکر کرده و باو میگوئیم‌که مترصد وقتش هستیم!..





افسانه رودلف‌والنتینو

■ «عمر شریف» این ایام گام‌هام برجسته‌ای بسوی‌موفقیت جاودانی برمیدارد. پس‌ازایفای نقش های مختلفی در سینما که آخرین‌آن‌نقش «شه‌گوارا»است، وی قراردادی اخیراً برای‌بازی در فیلم «رودلف والنتینو» با کمپانی کلمبیا منعقد ساخت. والنتینو یکی از بزرگترین شخصیت های افسانه‌ای هالیوود دربیست سال اخیر بشمار میرود ومرگ‌او، چون مرگ‌جمیزدین غم و شور بختی فراوان بوجود آورد. تهیـه کنندة این فیلم «مایك فرانکوویچ» است که تا بحال هفت فیلم غیراز این فیلم برای کمپانی‌کلمبیا ساخته وتهیه کرده که معروف ترین آنها «جاسوس جنگ آینه» است. شریف برای این کمپانی قبلا دو

فیلم را «جیمز گلدمن» که سناریوی «شیر در زمستان» را نوشته، تحریر کرده است. بازیگران فیلم «نیکولاس و آلکساندرا» را یک سری بازیگران سرشناس بین‌المللی تشکیل خواهند داد.

برنامه‌های جدید

● شکوفه‌نو برای نیمه‌دوم آبان‌ماه خود برنامه های وسیع و جدیدی تدارک دیده که علاوه بر برنامه های کنونی، بتهران وارد خواهند شد.

تا کنون «روداس دانستر» یکی در ده بالت معروف جهان، (لوس فلالتکوس) بزرگترین بالت فولکلوریک اسپانیا، و «پوکاس‌ها» درسال گذشته برنامه آنها عجیب مورد توجه مردم تهران واقع شد برای شرکت در برنامه‌های جدید شکوفه‌نو انتخاب شده‌اند.

توقیف اموال

● رضا فاضلی دو هفته پیش طبق رأی دادگاه مبلغ ۶۰۰۰۰۰ ریال ازاموال کتایون را توقیف کرد ـ علت این امر عدم حضور کتایون در آخرین جلسه فیلمبرداری فیلم شب فرشتگان بوده‌است.

فاضلی طبق‌قرارداد منعقده در نظر دارد در دادگاه ادعای خسارت بیشتری از کتایون بنماید.





● کمپانی کلمبیا اخیراً تغییراتی در کادر مدیران فروش خود بعمل آورده است که از آن جمله آقای ملک‌کنویل Mr · D · F · Macconville را بسمت رئیس قسمت‌فروش خارجی و آقای ادوین لوین Mr · Edwin A · Levine را بسمت معاون قسمت فروش خارجی منصوب نموده است.

این دو اقدامات دامنه داری جهت‌توزیع و فروش محصولات جدید کلمبیا در سال جدید بعمل آورده‌اند که بزودی بمرحله اجرا در خواهد آمد.

خوانندگان تازه ...

● برگزیدگان شاگردان کلاسهای آواز تلویزیون ملی ایران، عملاکارشان را با شرکت در برنامه‌های جدید «موسیقی‌ملی تلویزیون ملی ایران» آغاز کردند.

«پروین روزبانو» تصویر فوق یکی از آنهاست که کارش‌را جدیداً آغاز نموده ومورد توجه واقع گشته است.

«سیمین غانم» یکی دیگر از آنهاست که اولین آهنگش «فرخنده آبان» نام دارد که آهنگش وسیله «ایرج طاهری» ساخته‌شده وشعرش وسیله «شیرین‌حنانه» سروده شده است.

«خدایا چرا!» نام آهنگ دیگر «سیمین» می‌باشد که وسیله «عباس زندی» ساخته شده وترانه آنرا نیز «شاه زیدی» سروده‌است که بزودی از «تلویزیون» پخش خواهد شد.

«مرتضی جوهری» نیز یکی‌دیگر از خوانندگان این‌برنامه‌است که آواز برنامه‌ها را وی اجرا می‌نماید.

خوانندگان نامبرده آهنگهایشان فقط با سازهای ایرانی اجرا خواهند کرد که نوازندگانش بدینقرار می‌باشند:

علی‌اصغر بهاری (کمانچه) حسن‌ناهیدائی، عباس‌زندی (سنتور) فرهنگ‌شریف (تار) امیر ناصرافتتاح (ضرب) اسدالله زرین پنجه (تار).



از آلبوم فیلمها:



● تصویری است از پشت صحنه فیلم «دلاور دوران» که در «آبادان» فیلمبرداری شده است این فیلم‌وسیله «بیک ایمانوردی» و «باقری» تهیه شده است‌و درآن هنرپیشگانی چون «بیک‌ایمانوردی ـ فرانک ـ پیشوائیان ـ نرسی ـ تقدسی و .... بازی دارند.»

کارگردانی این فیلم را «باقری» عهده‌دار بوده است.

روی پرده

ستیز شجاعان «فرانسوی»

سوژه فیلم مزبور در مایه آثار جیمز باندی است که «فردریک استافورد و جین سسرگ» بازیگران اصلی آن می‌باشند. فیلم را «آندره اونبل» کارگردانی کرده است که قبلا از او فیلم «ملاقات در ریو» را دیده‌ایم.

هنگامه «ایرانی»

فیلمی است در مایه کمدی از «ساموئل خاچیکیان» که سوژه‌اش روابط بین دو خواهر و یک‌مرد است در دوره‌های بی‌اعتنائی و توجه.

«بهروز وثوقی - آذر شیوا - نیلوفر - پرزی - کیائی و آقامالیان» بازیگران اصلی این فیلم می‌باشند که توسط «کنی» فیلمبرداری شده است.

مرد حنجره طلائی «ایرانی»

این اولین فیلم «گلپایگانی» است که نقش یک خواننده معروف را در آن بازی می‌کند خواننده‌ای مشهور درگیری های یک عشق و یک هوس. بجز «گلپایگانی»، سهیلا، همایون، پشوائیان، «مهین مسعودی، غفاری، زندی و تجدد» در فیلم مزبور که‌وسیله «مهدی میثاقیه» ساخته‌شده‌است، بازی دارند.

چهار درویش «ایرانی»

یک‌فیلم حادثه‌ای‌است که‌بصورت «رنگی - اینستمن کالر» تهیه شده است و در آن «فروزان، امین‌امینی، منصور سپهرنیا، علی زندی، حسن شاهین» و گروهی دیگر بازی دارند.

فیلم‌را «امینی» شخصاً کارگردانی نموده‌و «فریدون‌دری‌پور» نیز فیلمبرداریش را بعهده داشته است.

بل استار «ایتالیائی»

یک وسترن ایتالیائی است با همان خصوصیات مشخص و آشکارش، با این تفاوت که اینبار یک زن قهرمان اصلی ماجراهای آن می‌باشد. «الوا مارتینلی» بازیگر نقش‌اصلی این‌فیلم می‌باشد.

من گناهکارم «هندی»

اساس سوژه این‌فیلم دراطراف دو خواهر (پاکدامن) و (متجدد و امروزی) است که‌در آن (راجندراکمار، شاما، پادعنانی ورام‌موهان) شرکت دارند.

بقیه درصفحه ۳۷



«شهر قصه»، قصه ناگفته‌ی زندگی

● دیداری بود سخت دلپذیر از نمایشنامه‌ای موفق، بجهت توفیق در جشن هنر شیراز و برنده شدن در مسابقه نمایش نویسی سازمان جشن هنر، سادگی وصفائی‌که درکار بازیگری وکارگردانی بچشم‌میخورد توانسته بود امتیاز خاصی بنمایشنامه بدهدکه بیگمان در ردیف‌کارهای موفق و خوب سال درآید.

«شهر قصه» که از روی یک افسانه‌کهن ایرانی بر اساس زندگی روزمره نگاشته شده است، واکثریت قریب باتفاق دیالوگ های فیلم شعر است‌که با آهنگ‌گفته می‌شود.

«بیژن مفید» که در امر ترجمه و کارگردانی پیس‌ها، با امکانات متعددی درگذشته روبرو بوده است، در شهر قصه نیز پیروزی‌کامل داشته است بطوریکه در میان جمیع برنامه های تآتری‌که تا بحال بروی صحنه آمده «شهر قصه» میتواند مقام والائی داشته باشد.

نوجوئی و نوآوری درکار تآتر وپیس نویسی که اکنون درکشور ما آغاز شده نوید این را میدهدکه در آینده رسالت‌هنر واقعی‌بازیگری را بیشتر ازگذشته درک‌کرد. اگر از انتقاداتی‌که باداره سال‌۲۵شهریور وارد است بگذریم، شهر قصه برنامه موفقی است‌که باید دید بخصوص از آن جهت‌که دارای امتیازات کافی برای درک حقیقت و نوید ماسکهای متعددی است‌که ما هر روز در اطراف خود احساس می‌کنیم.

جلسه مطبوعاتی

● اولین جلسه مصاحبه مطبوعاتی فستیوال فیلم کودکان یکشنبه این‌هفته‌دردفترمطبوعاتی فستیوال‌تشکیل‌گردیدکه‌پیرامون نحوه برگزاری فستیوال دبیر فستیوال صحبت کرد ونویسند-گان مطبوعات سئوالاتی مطرح وپاسخ شنیدند.

سومین فستیوال‌فیلم کودکان ۹ آبان‌ماه (فردا) تشکیل‌خواهد یافت.

آشتی

● «سهیلا» که چندی‌پیش از همسرش جدا شده بود، این روزها مجدداً بااو آشتی کرده واختلافات‌سابق‌راکنار گذارده‌اند وهیچ بعیدنیست‌که مجدداًزندگی گذشته‌اشان را بایکدیگر ازسر گیرند.

دوست عزیز آقای مرتضوی

متأسفم از اینکه گروهی‌از‌نویسندگان‌هنری‌جراید بدون توجه بنتیجه مطالبی که از قول هنرمندان و فیلمسازان می‌نویسند، مقالاتی درجراید چاپ‌مینمایند که جز جنگ اعصاب‌ودشمنی‌حاصلی ندارد، با محبتی که نسبت باینجانب دارید ممنونم اگرعین تکذیب‌نامه اینجانب که جهت مجله‌امیدایران نوشته‌ام، امر بدرج نمائید.

جناب آقای صفی‌پور مدیر محترم مجله امید ایران

با نهایت احترام متأسفانه معلوم نیست برمبنای چه‌اصلی‌صفحات هنری آن مجله اخیراً در اختیار افراد ناصالح وناواردی قرارگرفته تا با درج اکاذیبی از قول هنرمندان وکارگردانان، ذهن‌خوانندگان آن مجله محترم مغشوش‌گردد وبا صنعت سینمای‌ملی ایران‌ـ‌که‌آنجناب پیوسته حامی آن بوده‌اید دشمنیهای بیموردی بعمل آید.

از جمله در شماره ۷۳۹ مورخ ۳۰مهر ماه از قول‌اینجانب‌مطلبی چاپ شده بود که اصولا اینجانب از آن بی‌اطلاع بوده و کلیه آنها را تکذیب مینمایم.

بسیار سپاسگزارم اگر طبق قانون مطبوعات مقرر فرمایند این تکذیب‌نامه برای اطلاع خوانندگان وهنرمندان سینمای ملی ایراندر صفحه (از سینمای فارسی) درج‌گردد.

با تقدیم احترام ـ خسرو پرویزی

گوش بزنگ ـ گوش بزنگ ـ گوش بزنگ ـ گوش بزنگ

نمایشگاه عکس

● بمناسبت جشن فرهنگ وهنر جمعه‌سوم آبان‌ماه نمایشگاه عکسهای مراسم تاجگذاری در سالن انتظار سینمادیاموندافتتاح شد. بهمین جهت مدیریت سینما ازگروهی از شخصیت‌های کشور و ارباب جراید برای بازدید از نمایشگاه و مشاهده فیلم دعوت بعمل آورده بود .

قبل‌ازنمایش‌فیلم رئیس‌هیئت مدیره‌محل بحضار خیر مقدم گفته وازاقدامات آقای‌فتوره‌چی مدیریت‌سینما تجلیل‌وسپاسگزاری کرد .

سخنرانی

● روز چهارشنبه اول‌آبان ماه آقای «کی‌دولاهه» در مرکز اطلاعات و نشریات فنی فرانسه در باره وسائل بادبر و امکانات آینده آنهاسخنرانی جالبی‌ایراد کرد.

شکلک

● درجلسه ۲۸۲ هفتم‌آبان ماه کانون فیلم ـ فیلم شکلک‌اثر « روزاوکاروش » فیلمساز چک‌ـ اسلواکی درتالار وزارت‌فرهنگ وهنر بمعرض نمایش گذارده شد که مورد توجه واقع‌شد.



« یوسف » وارد تهران شد

♠ ساعت ۲۲ سه‌شنبه‌شب‌هفته‌گذشته« جونیت‌آرکین » واردتهران شد ودر فرودگاه مهرآباد مورد استقبال « دکترکوشان » ، « محمودکوشان » و هنرمندان فیلم «یوسف وزلیخا» قرارگرفت .

«جونیت» معروفترین و پرکارترین هنرپیشه سینمای ترکیه است ،که جهت ایفای نقش اصلی فیلم « یوسف و زلیخا » وارد تهران شده است و طی قرارداد وی پانزده روز در ایران اقامت خواهد داشت.

در شماره‌های آینده جهت‌آشنائی بیشتر خوانندگان با ایفاگر نقش نخست «یوسف و زلیخا»که شباهت زیادی به« راجرمور »داردازوی گفتگو و مطلبی خواهیم داشت.

هرکول و ...

● گروه‌هنری پازارگاد . نمایشنامه هرکول وطویله‌اوجیاس اثر فردریك دورنمات را بمدت ۱۰ شب‌بکارگردانی‌حمیدسمندریان درانجمن ایران و آمریکا بروی صحنه آورده‌است .

گروه‌پازارگاد بعدازتوفیق پیسهای قبلیش ، در کار تازه‌ای که ارائه داده است ، پیروزی کامل داشته و میتوان گفت که پس جدید بازیگران گروه از کارهای بدیعی‌است که درایام‌اخیر بدیدارش نائل میکردیم .

جشن سالگرد

● بمناسبت آغاز بیست و پنجمین‌سال تأسیس انجمن‌روابط فرهنگی ایران و شوروی مجلس ضیافتی سه شنبه هفتم آبان ماه (دیروز) درمحل انجمن‌برگزار شدکه گروهی ازشخصیت‌فرهنگی ـ سیاسی ومطبوعاتی‌درآن‌شرکت داشتندوپذیرائی گرمی ازمدعوین بعمل‌آمد .



آخرین روزها

● گوگوش اینك آخرین روزهای بارداری‌راسپری می‌کند و باحتمال قوی تا پایان ماه جاری وی و همسرش «محمودقربانی» دارای فرزندی خواهند شد .

گوگوش و «قربانی» آرزویشان اینست که فرزندشان «پسر» باشد و البته از دختر هم بدشان نمی آید .

«گوگوش» قرار است در ماه آینده برای شرکت در فستیوال«سن‌رمو»به‌ایتالیاسفرکند.ودرهفته آینده«قربانی» بهمین منظور برای ترتیب برنامه «گوگوش» به «ایتالیا» مسافرت خواهد نمود .

آهنگهائی که قرار است «گوگوش» در فستیوال«سن رمو» اجرا کند وسیله «پرویز مقصدی» و «خرم» ساخته شده است .



درخشش یك استعداد

● در حدود متعارف یك فیلمساز، لزوم یك درون کاوی ووجود یك خلاقیت شرط نخست ارزشمندی کاراست و بدین نظر نمیتوان سمبل ایده‌آلهای حقیقی را بامعیار دید های تجارتی در محك آزمایش قرارداد.

احساسی که ماازمشاهده یك فیلم درو جودمان متجلی میگردد، یك نوع القاء بینشی است که هر تماشا گری هنگام مشاهده فیلم درآن برخوردار است واین القاء گاه بصورت لذت، گاه بصورت خشم، گاه بصورت عناد و کینه ـ توزی و گاه بصورت یك احساس لطیف در وجودمان جلوه گری کرده و مارا از لذت دیدار یك اثر خوب سیراب می کند، ایجاد والقاء چنین عاملی درسینما بعهده کارگردان فیلماست که باخلاقیت ودرك صحیح خویش میکوشد تا آتمسفری دلخواه از داستان به وجود آورد وبتواند ایده‌آلهای ذهنی خویش را از دریچه چشم تماشاگر بدرون وجوداو بریزد وتلاطم احساسات والتهابات روحی اورا درك کند.

در سینمای ایران معدود افرادی هستند که چنین آگاهانه میتوانند ارزش وجودی خویش را بدست آورند ودرمحیط خویش تأثیر گذارده و هیجانات روحی قهرمانان داستانی را که روی نوار سلولوئید میخواهند ضبط کنند، بهترین وجهی نمودارسازند.

«امیرشروان» ازاین گروه فیلمسازان موفق است که پیوسته استعداد خویش را بیشتر ظاهر میسازد و با نمایش هر فیلم او درخشش تازه‌ای از وجود او، جلوه گری میکند.

اهمیت کار شروان درآنست که قبل از آنکه یك کارگردان سینما باشد، یك متورانس تآتر بوده‌است ویك کارگردان تآتر در هنگام بروی صحنه‌آوردن پیس، بیش‌از هرچیز بحالات و حرکات هنرپیشه توجه مینماید، نه بازی سطحی‌او، برداشت شروان از یك داستان، قبل از آنکه آنرا به صورت فیلم درآورد، مقداری حل مجهولات‌است وایجادروابط ما بین کاراکترهای داستان وسپس ارائه آنچه درو جود خود دارد، بازی هنرپیشگان فیلم و در این میان برداشت‌های عاطفی ازرنگ، و دکور، محیط با اهمیت کار او بسیار میافزاید، بطوریکه میتوان گفت آنرا ازصورت یك «دید ـ عینی» بصورت یك «کلیت‌ذهنی» درمیاورد وتماشاگر بعداز دیدار فیلمهای او، با وجود یك تمتع سطحی، بهره‌ای آگاهانه‌ازداستان، بازیها برمیگیرد.

وی که کارش را در سینما باساختن «مردی ازاصفهان» آغاز کرد، نشان داد که میتواند از عوامل گوناگون فیلمسازی استفاده کامل برد و بهمین جهت، فیلم با توفیق کامل مواجه شد که کمتر فیلمسازی درایران توانسته است بدان دست یابد.

تجربه دوم او، فیلم موفق «زنی بنام شراب» بود که‌درسطح یك کار جهانی ارائه داده شد و کارگردانی وبازی‌های قابل‌توجه هنرمندان‌فیلم، توانست موفقیت‌ـ های‌تجارتی کاملی کسب کند ـ اگر جنبه‌های تجارتی فیلم را کنار بگذاریم، میتوان دقت شروان‌را بایجاد آتمسفر و محیط و بهره ـ گیری ازرنگ درك کرد.

پس‌ازآن شروان دست بکار ساختن «دزد سیاهپوش» شد، فیلمی‌که دارای پوئن های مثبت وباارزشی‌است که‌کمتر کارگردانی بدرك و ارائه آن توفیق‌می‌یابد واینك اوکار دیگری آغازکرده بسختی کوه‌ها، کارگردانی‌محصول جدید میثاقیه «آدم وحوا» فیلمی که بدون‌شك باداشتن کاراکترهای متعدد وقهرمانان مختلف، زمان انجام بسیارخواهان‌است‌وپذیرش بسیار از هرسو.

«شروان» برای فیلمی که خواهد ساخت، بیش ازهرچیز به تفکر وتعمق‌می‌پردازد، به‌خواندن شرح حال قهرمانان بسیارمی‌ـ پردازد، بادقت وموشکافی عجیبی طی بارها سفرخود بجنوب، نقاط مورد نظر برای فیلمبرداری را انتخاب میکند تابتواند کارش را بیش از پیش با درخشش و جلوه بیشتری ارائه دهد، نظری‌بکارنامه فیلمسازی او آگاهانه میتواند نشان دهد که استعدادی بزرگ در حال شکوفا شدن است و هر زمان که میگذرد، درخشش آن تابناکتر وجلوه آن بیشترمیشود وپیروزی او در گرداندن فیلمها کامل‌تر وبرتر. ■



صحنه ای از سومین فیلم «امیرشروان»، «دزدسیاه‌پوش»

انتقادی بر فیلمهای هفته

ج . امید

راز کیهان

♠ « بوسه قاتل ، آدمکشی ، راههای‌افتخار ، اسپارتاکوس، لولیتا و دکتر استرنج‌لاو » فیلمهای « استانلی‌کوبریک » هستند ، خالقی در ردیف کارگردانان معدود صاحب جهان‌بینی ودید مشخص ، نحوه بیان خاص واستیل تصویری ویژه ... از کارگردانانی‌که اثرشان دارای آنچنان تمایزی هست که بشود آنرا تحت عنوان فیلمی از «استانلی کوبریک» تفکیك و تعریف‌کرد .

«کوبریك » از معدود فیلمسازان واقعی است‌که هر جزء اثرش در هر روال وهر مایه ، رنگ و روح دنیای درون ، افکار وسبك و سلیقه ایشان را دارد وکمی توجه وتعمق در آثار «کوبریك» امتداد سبك وسلیقه وی را محسوس‌میسازد، آثاری که تصویردرآن‌جدا ازارزش داستانی‌و جدا از سوژه اهمیت پیدا می‌کند.

پس از یك وقفه طولانی بعد از شاهکار ارزنده‌اش:راههای افتخار وهم‌چنین اثر حماسی وشکوهمند اسپارتاکوس‌واثرجنجالی «لولیتا» («دکتر استرنج‌لاو»کوبریك را در تهران نمایش نداده‌اند) حالا با یك اثر ارزنده وجالب‌دیگر«کوبریك»روبرو هستیم ، «اودیسه فضائی ۲۰۰۱ » ـ سوژه محور «فضا» است ،که زمینه مناسبی برای سبك و سلیقه «کوبریك » محسوب میشده است ، داستان فیلم خیلی ساده ومعمولی‌است ومسلماً اگرکسی‌غیراز«کوبریك» آنراکارگردانی میکرد ، محتملا فیلمی میشدکه بهیچ‌وجه جای‌بحث‌کردن‌نداشت در حالیکه «کوبریك» با توجه به قدرت و تخیل عجیبش بیشتر به جنبه های روانی و فلسفی کارش توجه داشته ـ فیلم حادثه‌ای نیست و هرجا که آنتریك حادثه ، اندکی‌زیاد میشود وذهن بیننده‌کم‌وبیش ازکلیت ماجرا به‌جزء‌تمثیلی و سطحی فیلم متوجه می‌گردد ، « کوبریك » بی‌تأمل صحنه را قطع میکند و اجازه نمیدهدکه فیلم رنگ حادثه‌ای بخود بگیرد واین قطع البته به تمامیت فیلم هیچگونه لطمه‌ای وارد نمیکند ، زیرا تماشاگر واردکه انتظار دیدن یك فیلم سمبلیك را دارد بهیچوجه بدیدن چنین صحنه هائی ویا یك پایان خوش اضطراری نیاندیشیده است .

کلا فیلم شکل تمثیلی آشکاری را دارد ویالااقل میتوان گفت که در آن مستتر است. لحن وبیان‌فیلم «تلخ» است. بخاطرخصوصیات بدی‌که‌همچنان در انسان باقی‌مانده ، برای زندگی یکنواخت‌وکسل‌کننده‌ماشینی‌اش‌و به جهت عدم اتکاء بخود و...

طرح‌کار و زمینه مؤثروقوی است وجزئیات‌باوسواس خاصی‌استادانه بیان شده است، حرکت دوربین سنجیده وموشکافانه است ، فیلم فلسفه‌ای دارد که برآن تاکید فراوان میشود وعلیرغم انتظار تماشاگرآسان‌پسندفاقدهیجانات سطحی وآکسیون‌های آنچنانی است‌که انتظار دارد ...

فیلم جای بحث زیادی دارد برای زمانی که صرف شده و انتقادی که بر «کوبریك» وارد است کـه آنرا به زمان دیگری محول می کنیم اما رویهمرفته فیلم نامبرده‌ـبخاطر مضمون درونی «کوبریك»که بصورت بی‌پرده وزیبا بیان شده ، فیلمبرداری‌رنگی، انتخاب زمینه‌ها، رنگهای متن،طرح‌های البسه و بخصوص «موزیك متن» فیلم زیباست .

کارگردان‌وتهیه‌کننده ، استانلی‌کوبریك‌ـ مدیرفیلمبرداری، جفری یونزورث‌ـ مونتور، رای لووجوی‌ـ سناریو از، آرتور . سی . کلارك، استانلی‌کوبریك ـ محصول سینه‌راما، مترو گلدوین مایر.

دنیای یك زن

سوژه « دارلینگ » جان شلزینجر و موفقیت آن ، برای هموطن انگلیسی‌اش «کنت‌لوچ» جهت ساختن فیلمی درخصوص زندگی یك زن وتأکید برجزئیات آن، نقطه شروع مناسبی بوده، اما «کنت‌لوچ» از آن دسته فیلم ـ سازانی است‌که‌کارشان شامل یك مقدار جنبه ادیبانه است، کارگردانانی که در کارشان به‌نتیجه‌گیری علاقه زیادی دارند، برای نتیجه گیری یك مقدار مقدمه چینی لازم است‌که آنهم مستلزم اطناب وطول دادن نیز باروح این‌گونه فیلم ها سازگار نیست فیلم‌هائی‌که لااقل به یك مقدار استقلال فکری ودید مشخص نیاز دارد .

سوژه «دنیای یك زن» (گاو بیچاره) برخورد یك زن وسیر عشق او ازمردی‌بمرد دیگر درتکدی‌محبت‌ـ که‌مهمتر ینشان مردی است بنام «دیو»..

«کنت لوچ» سعی داشته است‌که جزئیات ،حوالی و حواشی زندگی یك زن رانقاشی‌کند، اما تلاش‌وی‌تنها مصروف به نمایاندن یك‌مقدار ازظواهر زندگی زن شده و بطورکلی فاقد آن قدرتی بوده است که بتواند عمق روح وکاراکتر «زن» را تجزیه وتحلیل نماید.

«کنت لوچ» رویهمرفته بین نوپردازی های سینمای امروز و تیپ ادیبانه و قراردادی فیلمسازان هموطنش سرگردان بوده‌و تا پایان نیز سعی داشته‌که تم امروزی را به پرداخت قدیمی و انگلیسی‌وار تحمیل‌کند که البته چندان توفیقی نداشته است. واین سرگردانی«لوچ» ازپرداختن به‌خصوصیاتی که فیلم داشته، خصوصیاتی‌که محتمل یك مقدار صحنه‌ها بوده‌که تمامش‌درفیلم قابل بهره برداری بوده ، باز داشته است و تنها برای فیلم «کنت‌لوچ» یك امتیاز باقی‌گذارده است سرباز زدن ازسنت‌های معمول ! و یك خاطره برای تماشاگر سآنس ۱۱وربع صبح جمعه‌که بابیست دقیقه تأخیر ویك‌ربع آگهی‌های جورواجور تجارتی،سه بارقطع نمایش‌و«سه آنتراکت» اضطراری‌و بعلاوه‌گرگم بهوای‌کنترلین بالکن سینما «پولیدور»!!

کارگردان،کنت لوچ‌ـ فیلمبردار، بریان پروبن‌ـ آهنگساز، دونودان‌ـ هنرپیشگان، کارول وایت‌ـ ترنس استامپ ،

سومین فستیوال بین‌المللی کودکان

در پیشگاه «علیا حضرت شهبانو»

سومین فستیوان کودکان

فردا افتتاح میشود

● سومین فستیوال بین‌المللی کودکان در تهران بریاست والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی به ابتکار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و باهمکاری مرکز ایرانی فیلم جهت کودکان و نوجوانان‌در نهم آبان (فرداشب) در پیشگاه «علیا حضرت شهبانو فرح پهلوی» در سینما «باموند» گشایش خواهد یافت.

طی تماسی که با «هژیر داریوش» دبیرفستیوال بین‌المللی کودکان حاصل شد، ضمن اشاره



● صحنه‌ای ازفیلم «جادوگر وگربه» از «ژاپن»



● صحنه‌ای از فیلم «داستان جنگل» از «آمریکا»

به‌سعی درافزایش‌دادن کیفیت‌کار وفیلم‌های نمایش دهنده نسبت به دوفستیوال گذشته ورفع انتقادات واستقلال برتر درنحوه برگزاری اطلاعاتی‌را دراختیار ما گذاردند که عین آنرا درذیل مطالعه می‌کنید.

جمعاً ۱۴۷ فیلم از۲۸ کشور برای فستیوال فرستاده شد که مجموعاً ۱۰۹ فیلم از ۲۲ کشور برای نمایش در فستیوال پذیرفته شد. که ازاین تعداد ۶۹ فیلم در مسابقه و۴۰ فیلم بطور «روترو- سپکتیو» (خارج ازبرنامه) از کارگردانان معروفی‌چون «کارل‌زمن، سال‌باس، جان های من» نمایش‌داده میشود، طولانی‌ترین فیلم از نظر زمانی متعلق به «فرانسه» است موسوم به «شش اسب آبی‌رنگ» بمدت صدودقیقه و کوتاهترین آن متعلق به «یوگسلاوی» بمدت۲۰ دقیقه بنام «مورچه مهربان» و مجموعاً ۲۱ فیلم‌طویل درفستیوال نمایش‌داده میشود.

«چکسلواکی» ازنظر تعداد فیلم‌های شرکت‌دهنده با «۷فیلم» در مرحله اول‌است و بعداز آن «آمریکا» با ۶ فیلم، شوروی و بلغارستان‌با۵فیلم کانادا، آلمان، لهستان، رومانی، یوگسلاوی با «۴فیلم» و فرانسه، مجارستان، هندوستان، ایتالیا، سویس وکره «۳فیلم» بلژیک‌وایران‌با«۲فیلم» و «استرالیا، اطریش، دانمارک، انگلستان و ژاپن» با «۱ فیلم» دراین‌فستیوال شرکت کرده‌اند.

درسومین فستیوال بین‌المللی کودکان یکرشته دیگر نیز بچهار رشته سابق گذشته افزوده شده است که درگروه «د» واقع می‌گردد و آنهم «فیلم برای بازار عمومی است که مخصوصاً جهت تماشاچیان خردسال مناسب‌باشد». (چهار گروه‌سابق«الف» فیلم‌های آموزشی جهت کودکان ۵ تا ۹ ساله - «ب» فیلم‌های تفریحی برای کودکان ۵تا۹ ساله - «ج» فیلم‌های آموزشی‌جهت نوجوانان ۹ تا۱۴ساله - و گروه «د» فیلم‌های تفریحی‌جهت نوجوانان ۹تا ۱۴ساله».

در نخستین شب برگزاری فستیوال در پیشگاه علیا حضرت شهبانو فیلم کوتاه ۲۰ دقیقه ای «خانه برم» از «شوروی» بطریق «هفتاد میلیمتری» نمایش داده میشود وسپس فیلم طویل وکارتون «داستان جنگل» از «آمریکا» به معرض نمایش درمی‌آید، جریان مراسم برگزاری وفیلم‌های نام‌برده از «تلویزیون ملی ایران» پخش میشود و چون «داستان - جنگل» سه هفته پس‌از اختتام فستیوال قراراست درسینما «سینه موند» نمایش‌داده‌شود، لذابجای آن‌فیلم «تارون‌ساخوزن» اثر «کارول زمن» ازتلویزیون پخش میشود.

«جوائز» نظیرسالهای گذشته بدین صورت می‌باشد ۱- جایزه بزرگ مجسمه طلای فستیوال به بهترین فیلم بطور مطلق ۲- دو مجسمه طلای فستیوال به بهترین فیلم هردسته ۳- چهار پلاک‌طلای فستیوال به‌بهترین فیلم هرگروه ۴- چهار پلاک نقره فستیوال به دومین فیلم هر گروه ۵- دیپلم‌های افتخار با مانسیون بخصوص که‌می‌توانند ازطرف‌هیئت داوران اهدا شود.

هیئت ژوری بین المللی در سومین فستیوال بین‌المللی کودکان اینها هستند «کارل‌زمن چک - سلواکی» جان‌هالاس (انگلستان) سال‌باس «سازنده تیراژ اکثر فیلم‌های آلفرد هیچکاک که، واتو پره مینجر» (آمریکا) یانوس‌روژا که سال گذشته فیلم شکلک های وی برنده جایزه فیلم فستیوال شد(مجارستان) وایران احتشامی (ایران).

واماهیئت‌های‌داوری‌ایرانی، وزارت‌فرهنگ‌وهنر، آذراحمدیه، منوچهرطیاب واسماعیل‌گلستان - وزارت‌آموزش‌وپرورش، توران احتشامی، اختر پور شیرازی، ملکه طالقانی، زهره میرحیدر، توران‌میرهادی، ایرج فره‌وشی، احمد قاسمی - تلویزیون ملی ایران، پروین بوذری، سیمین رجائی، کامبیزمحمودی، هوشنگ کاوسی - کانون فیلم ایران، ناصر عصار، کامران شیردل، هوشنگ

بقیه در صفحه ۲۶

تلویزیون

فیلم مستند

● ازاین پس فیلم های مستند ایرانی‌نیز در «تلویزیون ملی ایران» نمایش داده خواهد شد . بطوریکه تصمیم گرفته شده، سعی خواهدشد که یکدهم ازمدت برنامه‌های «تلویزیون‌ملی‌ایران» باین امر اختصاص یابد .

برنامه نمایش

● درهفته گذشته‌یکی‌دیگر ازبرنامه‌های مخصوص تلویزیون ملی ایران (شو ـ Show) که بصورت شوهای متداول درخارج اجرا میشود توسط «حمیدقنبری» ضبط وجمعه این‌هفته‌ازتلویزیون ملی ایران پخش‌شد.

در این برنامه (ایرج و گوگوش وچند خواننده دیگر) بهترین ترانه های خود را اجرا کردند و «عبدالکریم اصفهانی کمدین اجراء کننده نقش های مختلف‌رادیوئی‌برنامه‌های‌جدیدی اجرا نمود .

تابلو موزیکال « هی‌پی‌ها » نوشته‌ی « پرویز خطیبی » قسمت دیگری‌ازبرنامه «شو» تلویزیون ملی ایران را تشکیل میداد که «ثریاقاسمی‌وشهیار قنبری»اجرا-کنندگان آن بودند . آهنگ تابلو موزیکال کمدی و انتقادی را «بابك» تنظیم کرده است و « حمید قنبری و شاهین » آنرا خوانده‌بودند .

نمایش « دخترها وپسرها » نوشته‌ی پرویزخطیبی وباشرکت: «عزت‌الله مقبلی ـ نادره ـ ثریا قاسمی و حمید قنبری » و فیلم انتقادی «خواب» و برنامه های تفریحی و سرگرم کننده دیگر از قسمت های جالب این «شو» مخصوص‌تلویزیون ملی‌ایران‌بود.

تهیه کننده این برنامه «حمید قنبری» و کارگردانی فنی آن را«گل‌آور» بعهده‌داشتند .

دومین‌برنامه نمایشی«حمید قنبری» در پانزده روز آینده مجدداً از تلویزیون پخش‌خواهد شد که درآن «حمیدقنبری-ثریا قاسمی ـ نادره و مقبلی» بازی خواهند داشت ، که خوانندگان و سایر همکاران این برنامه‌هنوز تعیین نشده‌اند .



● «قنبری ، مقبلی ، ثریا قاسمی ونادره» در برنامه‌های نمایش «حمید قنبری» بازی خواهند داشت



آشنائی بیشتر با هنرمندان سریال موفق

«دختر شاه پریان»

● سریال «دختر شاه پریان» یکی از فیلم های جالب و دیدنی « تلویزیون ملی ایران » میباشد که هواخواهان وعلاقمندان فراوانی‌پیدا کرده است، داستان فیلم «دختر شاه پریان» که هرپنجشنبه صبح ساعت ۷ ونیم ازتلویزیون پخش میشودازآنجا آغاز شده است‌که جوانی بنام«تونی نلسون» که‌نقش‌اورا **«لاری‌هاگمن»** بعهده دارد در کنار دریا یك بطری خالی پیدا میکند وبمجرد گشودن در بطری صدای هولناکی بر میخیزد و ازمیان انبوه دود، دختر زیبائی از درون بطری خارج میشود.

نقش « دختر شاه پریان » را **«باربارا ایدن»** ایفاء می کند ، و حالا « تونی نلسون » افسر ارتش مشکل نگهداری این دختر زیبا را دارد که بطرز عجیبی به « تونی » وابستگی پیداکرده است، اما کارهای عجیب «دختر شاه‌پریان»که از قدرت سحر و جادوئی او منتهی میشود سبب جنجال های مضحك و خنده آوری میشود .

« باربارا ایدن » معرف حضور همه‌کسانی که به تماشای فیلم میروند هست و اما « لاری هاگمن » که کار هنرپیشگی را در تئاتر آغاز نمود و زیرنظر کارگردانهائی‌چون«مارگارت وبستر» و «مارکو جونز» واقع‌گشت، وی اولین‌بار درنمایشنامه «رام‌کردن زن سرکش » شرکت کرد که کارش فوق العاده مورد توجه فیلم سازان سینمائی وتلویزیونی قرارگرفت ودر فیلم های متعددی شرکت جست که معروف‌ترینش «جنوب‌اقیانوس‌آرام» بوده‌است. وی در «تلویزیون»کارش را باسریال «شکاردریا» ونمایشنامه-های هفتگی آغاز نمود و «دختر شاه پریان» یکی‌از موفق‌ترین‌کارهای‌وی میباشد .

« هاگمن » در تگزاس متولد شده و قبل از اشتغال به هنرپیشگی مدتی درنیروی هوائی باسمت‌خلبانی وکار آموز مسائل فضائی انجام‌وظیفه نموده است.

سومین سال

● «تلویزیون ملی ایران» روز چهارم‌آبان عملا سومین‌سال سال فعالیت خودرا آغازکرد .

«تلویزیون ملی ایران» در دوسال گذشته درخشش‌های نسبی داشته ومسلماً باتوجه ودقت‌بیشتر سال پرثمر وباارزشی را درپیش خواهد داشت.

بازی بازی

● عنوان برنامه جدیدی است که جهت کودکان‌اجرا وپخش میشود ، برنامه نامبرده ، صرفاً شاداست و باچند بازی مختلف که می‌توانند جهت کودکان یك محیط شادی وسرور ایجادکند .

مجری برنامه در قالب یك دلقك در کار خود آزاد است و بهمین‌دلیل حرکات او، پیش‌بینی نشده‌است و در این برنامه شش شرکت کننده در سه قسمت با

بقیه در صفحه ۲۶

امین امینی در یک برخورد تازه



● برای یک تماشاگر علاقمند به سینمای ایران، معرفی یک چهره معروف و پرسابقه سینمائی و یا گفتگو با وی هیچگاه تازگی‌اش را از دست نمیدهد و «امین امینی» از معدود فیلمسازانی است که دانستن نظریات و عقایدش برای دسته های مختلف حساس و قابل توجه است.

«امین امینی» اینک در کار سینما دو چهره متمایز دارد، یک چهره سازندگی وی می باشد که خلق فیلم می‌پردازد و دیگر نقش بازیگری اوست که با قدرت و تکیه و تأکید بر استعداد ذاتی‌اش و نرمش خودسازی در برخی از نقش‌های حساس برخی فیلم ها می‌پردازد.

«امینی» در کار کارگردانی، با در نظر گرفتن بازاری محدود و مسئولیت شاقی که در مورد اداره استودیو عصر طلائی دارد می‌کوشد، معهذا همواره کوشیده است که در کار فیلمسازی آفریننده تحسین و ستایش تماشاگرانش باشد و بهمین جهت هرچند یکبار فیلمهای باارزش و نتیجه موفقیت آمیزی را از وی مشاهده می‌کنیم فیلمهائی چون «میلیونر، سایه، مادموازل خاله، آقا جنی شده، ده سایه خطرناک، مرد ده میلیون تومانی، سه قهرمان، علی بابا و چهل دزد» در سبک و مایه های مختلف ساخته شده اما در هرحال از ذوق و استعداد سازنده‌اش بیان میدارد.

«امینی» در زمینه بازیگری بارها به ثبوت رسانیده است که بازیگری توانا، حساس و نقش پذیر است. وی نخستین بار در فیلم «فرزند گمراه» ایفای نقش میکرد که اولین جرقه های استعداد و قدرت وی در طی فیلم محسوس بود و پس از آن فیلم «سایه» وی را در ردیف محبوب‌ترین هنرپیشگان روز قرار داد اما «امینی» نمی‌خواست صرفاً یک بازیگر باشد و بهمین جهت مدتها در کار بازیگری‌اش وقفه ایجاد کرد و پس از آن گاه و بیگاه در فیلم هائی ظاهر شده است فیلم هائی چون «پنجه، دختر ولگرد، مرد ده میلیون تومانی، ده سایه خطرناک» و این اواخر «چهار درویش» که بزودی نمایش خواهند داد. «امینی» که درحال حاضر یکی از پرکارترین فیلمسازان ایران است. فعلا فیلم‌های «ریکاردو، چهار درویش» را آماده نمایش دارد و در فیلم «آینه زمان» بکارگردانی «نجیب زاده» بازی میکند و قرار است تا پانزده روز آینده شخصاً فیلم تازه‌ای را جلوی دوربین ببرد.



«فروزان و امین امینی» در صحنه‌ای از فیلم «چهار درویش»

در فرصتی کوتاهی که به نمایش فیلم «چهار درویش» مانده است، مصاحبه کوتاهی با وی بعمل آورده‌ایم که در ذیل مطالعه می‌فرمائید.

■ **در فیلمسازی، بطور کلی چه جنبه‌ای برای شما حائز اهمیت است؟**

- در وحله اول خواست مردم - سعی من اینست که بتوانم آنچه را که تماشاگر می پسندد و می‌طلبد برایش فراهم کنم ولی این امر دلیل نمیشود که به سایر زمینه‌های فیلمسازی توجه و اقبال نشان ندهم کما اینکه این امر در اکثر فیلم‌های خود به ثبوت رسانیده‌ام.

■ **در امر فیلمسازی مخالف چه هستید؟**

- بی‌نظمی و نامرتبی، اعم از هنرپیشگان و یا سایر کادر سازنده فیلم.

■ **شما هنرپیشگان فیلمتان را بچه نحو انتخاب میکنید؟**

- در درجه اول با در نظر گرفتن نظم و ترتیب و قولشناسی آنها و البته بعد هم استعداد، تیپ و قیافه‌اشان.

■ **در کار سینما چه کسانی روی شما تأثیر گذارده‌اند؟**

- این از آن جور سؤالهاست که چند کلمه پرسش شما و پاسخ من توأماً جنجالی در بر خواهد داشت، از این مورد گذشته باید بگویم که خیلی‌ها روی من تأثیر گذارده‌اند و در کارم رهنمون و یاورم بوده‌اند که من در اینجا لزومی نمی‌بینم که از همه شان یاد کنم ولی قلباً از یکایکشان تشکر میکنم.

■ **از فیلم هائی که ساخته‌اید کدامشان را بیشتر می‌پسندید؟**

- «ده سایه خطرناک» از نظر پرداخت و توجهی که به «فرم» در آن داشته اند و «علی بابا و چهل دزد» که جنبه های تجاری خوب در آن حفظ شده بود.

■ **چرا فیلم در مایه های مختلف میسازید؟**

- جهت اینکه معتقد نبوده و نیستم که یک کارگردان فقط به یک سبک فیلمسازی روی کند و این در مورد اکثر فیلمسازان جهان صدق میکند البته استثنائی هم هست، اما عقیده دارم که هر کارگردان چنانچه بکارش ایمان داشته باشد و بعلاوه از تسلط کافی نیز برخوردار باشد در کار فیلم‌سازی خود با شکست روبرو نخواهد گردید.

■ **شما یک کارگردان و یک بازیگر هستید، فکر نمیکنید که در کار فیلم یکی بدیگری لطمه واردکند؟**

- متأسفانه تا حدودی این امر هست که گرایش به امر خطیر کارگردانی در فیلم، توجه در بازیگری را سلب می کند، اما حتی‌المقدور سعی کرده‌ام که با تمرینات پی‌درپی و آمادگی قبلی تا حدود نسبتا زیادی این مانع را برطرف کنم، اما من تصمیم دارم که از این پس در فیلم هائی که بازی می کنم، کارگردانی اش را بهیچوجه بعهده نگیرم.

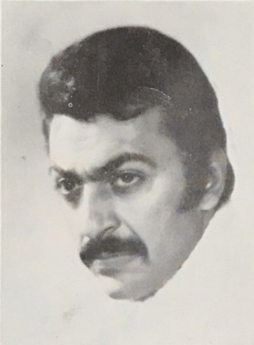
■ **حدود موفقیتتان در سال‌های اخیر چه بوده است؟**

- افزایش تجربه و درک بیشتر، خصوصا در مورد «تجربه» تأکید میکنم.

■ **از «رنگ» به چه منظوری در فیلم هایتان بهره می‌برید!**

بقیه در صفحه ۲۶

همایون بهادران :



بعد از نخستین موفقیت

● پس از نمایش فیلم «تنگه اژدها» این روز ها همه جا صحبت از «همایون بهادران» است، چهره‌ای که بنظر میرسد جانشین خلفی جهت چهره پر قدرت‌منفی گذشته چون «آرمان، بیك ایمانوردی، بوتیمار و بهروز وثوقی» درسینمای ایران باشد، چهره‌ای که باقدرت‌اولین نقش‌مشکل و باارزش سینمائی‌اش را تحت راهنمائی کاشف خود «سیامك یاسمی» بخوبی ایفاء نمود و مسلماً بزودی با نمایش فیلم «بر آسمان نوشته» و بعدهم «قهرمانان» درردیف‌موفق‌ترین چهره‌های روز قرار می‌گیرد.

«بهادران» با حرارت و صمیمیت نقشش را با قدرت ایفاء می‌کند و بهمین جهت‌آن چنان‌که می بایست مورد توجه قرارگرفته است و از هم‌اکنون تماشاگران‌آثار فارسی روی‌او کنجکاوی صرف میکنند و می-خواهند بدانندکه‌وی‌درزندگی واقعی‌اش چگونه‌موجودی‌است و این برای چهره‌جوانی چون «همایون بهادران» که کارش را تازه‌شروع‌کرده‌است، فوق‌العاده امیدبخش است. چهره‌ای‌که در دنیای زندگی واقعی اش از پرسوناژهائی‌که‌در فیلم‌هاایفاء می‌کند خیلی بدوراست. جوانی است بسیار ملایم، محجوب و خیلی‌باشخصیت‌وخیلی‌خودمانی «آقا» که‌درزندگی واقعی اش دیگر نباید آن مرد آشوبگر، خانمان برانداز «تنگه اژدها» جستجو کرد.

عاشق‌زیبائی است، موسیقی رادوست دارد چون‌برایش‌یکی ازمظاهر لطیف‌زیبائی است‌هر روز چند ساعت از وقت «بهادران» صرف شنیدن و آموختن موزیك می شودچون «بهادران» «موسیقی» را یك وسیله بیان احساس میداند.

فوق‌العاده به خانواده‌اش پای‌بنداست وودردیدارحضوری شناخت او با آنچه که قبلا با دیدن فیلم‌هایش درذهن‌دارید، اندکی مشکل است، مطلع و با دانش است و باوجودی که در اوائل جوانی سعی کرد که یك هنرپیشه بشود، معهذا برایش مقدورنشد و بدلیل‌علاقه‌پدرش، به «لندن» سفرکرد و تحصیلات عالیه خودرا درآن‌جا ادامه‌داد «بهادران» میگوید: من ازهمان ابتدا دوست داشتم که هنرپیشه بشوم و این عشق هنگامی‌قوام یافت که تقریباً همه پس های کلاسیك و بعلاوه کتابهای خواندنی درزمینه بازیگری را مطالعه‌کرده و بارهاصحنه‌هایش را نزد خود تمرین‌کرده بودم، اما بار اول در مواجهه با آن توفیقی نداشتم، معهذا همیشه در نظر داشتم که من نباید هرگز یك فرد عادی بمانم، زیرا با علاقه بیش از اندازه خود این حق من بودکه یك فردغیرعادی باشم، من جویای تأمین و مقام ثابت نبوده‌و مسلماً نخواهم‌بود، من همواره سعی‌داشته‌وخواهم داشت که در مقابل هر فرصت روحم را سرمایه‌قمارقرار دهم. و بعد از پی گیری بالاخره توفیق آنرا پیدا کردم که کار بازیگری را پیشه خودکنم و با پشتکاری‌که در خود سراغ‌دارم وباموفقیتی‌که نمایش فیلم‌اولم بمن روی آورده و امیدواری به آینده طلیعه درخشش‌روز-های بهتری را نوید میدهد.

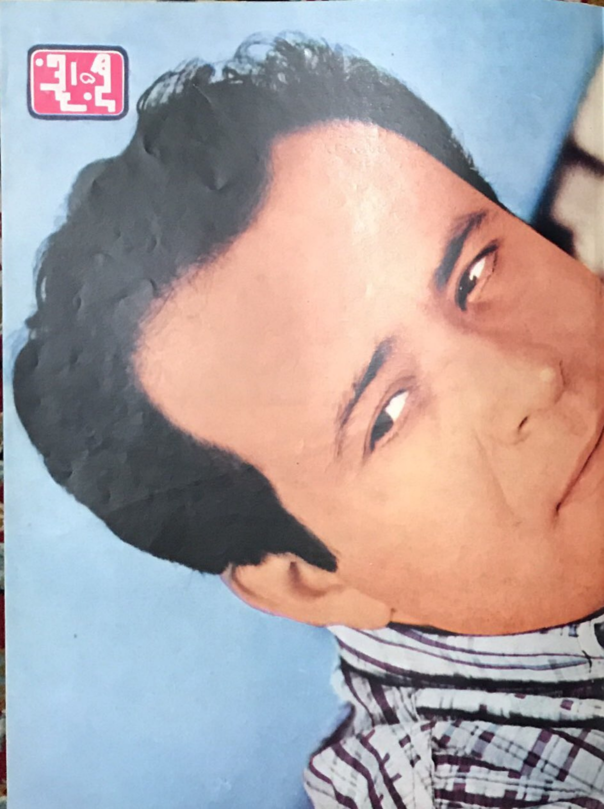
«همایون بهادران» در حال حاضر فیلم «برآسمان نوشته» را آماده نمایش دارد که در آن نقش‌کاملا مؤثری را دارد و به آن بیش از «تنگه اژدها» اظهارامیدواری میکند و همچنان به فیلم «قهرمانان» که تحت نظر «ژان‌نگلسکو» بازی می‌کند بعنوان‌یك‌شانس یادمی-کند وی در «قهرمانان» باتفاق «جیم‌میچم» سردستگان‌یك‌گروه راهزن هستند.

«بهادران» اکنون با جمع هنرپیشگان خارجی فیلم «قهرمانان» روابط صمیمانه‌ای برقرارکرده و در بین‌آنها بیش از همه با «استوارت ویتمن» و «جیم میچم» دوست است.

«همایون بهادران» هنوز ازدواج نکرده است و در این مورد عقیده جالبی دارد. وی در باره سرباز زدن از ازدواج چنین میگوید:

وقتی آدم‌درکارهنرپیشگی است بهتر و راحت‌تر است که ازدواج نکند. کار زیاد، مسافرت-های زیاد، غیبت های طولانی و زندگی نا منظم خانوادگی ایجاب می‌کندکه آدم‌زن نداشته باشد وگرنه همیشه اختلافات‌و دعوا خواهد بود وچه بهترکه اصولا این ماجرا های دردناك پیش نیاید، البته یك‌مورد مهم را هم بگویم بمحض اینکه زن دلخواهم را بیابم باازدواج خواهم‌کرد! ■







● مهدی رقابی

وعده دیدار

● چند سالی است که چهرهٔ یك مرد در میان خیل سر شناسان بین‌المللی که بایران وارد میشوند خودنمائی میکند «رقابی» مردی که باوجود عدم فعالیت هنریش، نامش بیش از هر کس بر سر زبانها جاری است و مؤسسه او وعده‌گاه دیدار اکثر رجال و شخصیت‌های برجسته هنری و سینمائی کشور است.

وی قبل از آنکه بخاطر مرگ پدر از آمریکا بایران بازگردد، دررشته کشاورزی درلوس‌آنجلس بتحصیل اشتغال داشت ودرضمن آن بفعالیت‌های هنری وسینمائی پرداخته بود و بخاطر آنکه سمت خبرنگار یك‌مجله سینمائی‌را در ایران عهده‌دار بود، با گروهی بسیار از هنرپیشگان روز آشنائی وتفاهم کامل‌داشت بطوریکه این آشنائی بصورت یك‌دوستی عمیق درآمده ومدام باهنرمندانی‌چون ویلیام هولدن - پول بریش - جون فونتین - وان‌هفلین- گری- گوری‌پك - ریتا هیورث وسوفیا لورن رفت و آمد داشت و ضمن تنظیم‌مطالبی‌ازآنها- راه خودرا برای بازی در فیلم‌های هالیوود هموار میکرد بطوریکه پیشنهاد شرکت دریك فیلم از محصولات مترو گلدوین مایر راکه برزمینه افسانه‌های شرقی بنام «ماجراهای سندباد» قرار بود ساخته شود دریافت داشت که متأسفانه مرگ پدر وسفر او بایران برای همیشه اورا ازایده‌آلش که سینما بود بازداشت.

«رقابی» پس‌از سفر بایران بخاطر علاقه‌ای که بخانواده‌اش داشت‌ازتحصیل وفعالیت درسینما دست‌کشید و باعلاقه و پشتکاری فراوان بکسب پدر پرداخت و بخاطر آنکه مردی مثبت و فعال بود خیلی زود توانست مغازه پدر خود را بصورت یك مؤسسه فعال وآبرومند درآورد و شهره شهر ودیار کند.

رقابی درطی این احوال در سینما دورنبود. بخاطرآشنائی‌های قبلی با هنرمندان ایرانی مؤسسه‌او بزودی‌محفل دیدارهای آنان شد، گروهی ازفیلمسازان که ازعلاقه ومحبت‌شدیداو بسینما آگاه‌بودند پیوسته‌پیشنهادشرکت در فیلمهای خودرا بدو میدادند بطوریکه قرار بود قبل‌از آنکه فردین برای بازی در فیلمهای چشمه آب‌حیات وفریاد نیمه شب انتخاب گردد، وی بازیگرنقش اصلی آنها شود که بخاطر شغلی که عهده‌دار بود وپیمان اخلاقی که با وجدان خویش بسته بود نتوانست در سینما ظاهر شود، اما بااین وجود رشته دوستی و مودت اوهرروز بیش‌از روز قبل باجامعه هنرمندان و هنرپیشگان ایران وفیلمسازان افزوده میشد بطوریکه پیوسته هنرمندان‌توفیق فیلمی‌را درمؤسسه او جشن می‌گرفتند ونخستین غذائی که هنرمندان بزرگ بین‌المللی در ایران میخوردند، چلوکباب او بود.

«رقابی» باآنکه سینمارا اینك بصورت یك‌رؤیا که بعللی هنوز نتوانسته بدان دست یابد نگاه میکند میکوشد که خودرا ازجریان فعالیت های آن بدور نگاه ندارد.

بهمین جهت هنگام ورود فیلمسازان وهنرمندان جهانی‌وی

● «رقابی» با «راجندراکمار»، «راج‌کاپور» و «مارلین‌اشمیت»







● «رقابی» باتفاق «ویلیام هولدن» .



● با « جون فونتین » ستاره معروف هالیوود

بیش‌از هرسازمان برای پذیرائی آنان فعالیت میکند بطوری که آلبوم مخصوص پذیرائی مؤسسه او مملو ازعکسهائی‌است ازهنر- پیشگان بزرگ بین المللی و دفتر یاد بودی که امضاء کرده‌اند .

رقابی ومؤسسه‌او اینک بیش ازهرزمانی وجودش برای شهرما احساس می‌شود ، چه‌لااقل محیط گرم‌واشتیاق آمیزی‌که او بوجود آورده ، کانون گرمی‌است برای میهمانان‌خارجی کشور که‌بتوانند غذای ملی ماراخورده وبهترین نحوی پذیرائی شوند .

درمؤسسه وی علاوه برهنر- مندان ، اکثرشخصیتهای‌فرهنگی و سیاسی پذیرائی شده اند ، میهمانان کنگره‌زنان‌ایران، شیوخ امارات و شیخ نشین های خلیج فارس ، میهمانان کنگره حقوق بشر و بسیاری دیگر از رجال معروف سیاسی و هنری جهان در محیط گرم « رقابی » پذیرائی شده ومیهمان بوده‌اند.

وی بخاطر علاقه شدید و خاصی‌که بکشورش دارد. باآنکه بسیار ساده و بی‌دردسر میتواند رخت بر بسته و ایران را برای همیشه ترك کند ، معهذا بخاطر آنکه مردی خودساخته وپر شر و شور است، عجیب بمحیط خود دل‌بسته وهرروز میکوشد ازروز قبل جلوتر رودوپیروزی‌جدیدی برای خود کسب کند.

یکی دو سال قبل وی ورود بازیگران گل شیطان را جشن گرفت وباآنکه ازپذیرائی‌افراد غیر خودداری می‌کرد ، میهمانی مجللی بافتخارآنان‌برگزار کرد، دراین میهمانی ، پول برینر ، ریتاهیورث، ترنس یانگ، ترور هوارد، هارولدساکاتا، نادیاتیلر و سایر هنرپیشگان فیلم شرکت داشتند وازچلوکباب‌رقابی‌خورده وبسیار مورد قبولشان واقع شد.

درایام اخیر نیزوی‌بافتخار ورود هنرمندان فیلم قهرمانان ضیافت شامی برگزار کرد که الکه زومر - استوارت ویتمن ، زان نگلسکو ، جیم میچم - لون ساتون، فرانك شاتون، کوردیور گنز ودیگر کارکنان‌وهنرمندان فیلم حضور داشتند و پذیرائی گرمی ازآنان بعمل آمد.

درطی سال های گذشته نیز اکثر هنرمندان معروف جهان که به ایران سفر کرده‌اند ، از طرف «رقابی» از آنان پذیرائی شده‌است که میتوان ویلیام‌هولدن دالیالاوی- جون‌فونتین ، وحیده رحمان،راج‌کاپور، راجندراکمار ودیگران را نامبرد .

پذیرائی‌گرم وقابل توجهی که «رقابی » از این هنرمندان بعمل آورده موجب گردیده که خاطره سفر بایران وغذاهای‌آن دلپذیرتر وفراموش نشدنی شود، بطوری‌که هنگام‌عزیمت ازایران رقابی‌را وعده گاه دیدار آینده قرار دهند .

بی‌گمان « رقابی » سرانجام بسوی‌دنیای سینما کشانده‌خواهد شد، چه‌علاقه زیاده ازحد اوباین صنعت توسعه یافته وشوق وافراو در بازیگری ونشان دادن‌قدرت درمقابل دوربین اورا بسرزمین جادوئی سینمارهنمون خواهد شد وچه لحظه دلپذیری خواهد بود آن زمان‌که قیافه مردانه و تیپ شرقی و اندام کشیده و ورزیده اورا درروی پرده سینما مشاهده کنیم.

■

● هنرمندان «گل شیطان» ، ریتاهیورث ، هیوگریفیت ، تریورهاوارد وپول برینر وامضاهایشان .



● باتفاق « پول برینر » و « نادیاتیلر »



پاسخ سردبیر

آقای عبدالله رئوفی :

۱-هنرمندان اصلی «بازی زنان» یا «زنان شیرین» اورسولا آندرس، ویرنا لیزی، کلودین اوژه وماریزا امل میباشند، این فیلم را «لوئیجی زامپا» کارگردانی کرده است ۲- هنرپیشگان مرزهای پرخطر «هنری فاندا، ویتوریو گاسمان، آنی ژیراردو، بورویل، روبرت حسین، رابرت رایان، پیتروان ایک، ژرژ مارشال» بودند ۳- نام اصلی «مرزهای پرخطر» بازی کثیف بود «The Dirty Game»، و کارگردانان آن نیز «ترنس یانگ، کارلو لیزانی وکریستیان ژاک».

آقای محمدرضا پرتوی:

۱- بله فیلم «دختر عشوه‌گر» همان «صدای آشنا» است ۲-منوچهر وثوق همین چند هفته پیش ازدواج کرد ۳- مجید محسنی در حال حاضر فیلم «دنیای پوشالی» را بازی میکند.

آقای جعفر مسعودی:

۱- فیلم «جائی برای مردن پیدا کن» آماده نمایش است و بزودی نمایش داده خواهد شد ۲ - «سکسی سوزانا» نیز بعد از فیلم اول فاصلی بروی پرده خواهد آمد ۳- بله سفر «فردین» به «ایتالیا» حقیقت داشت.

آقای تقی شیبانی (شیراز) :

در فیلم «مردان ازجان گذشته» محصول «بلغارستان» فقط این را میدانیم که فیلم درمایه جنگی است و «نیکولاسیمیك» درآن نقش اصلی را ایفاء مینمود.

آقای عبدالله دهقان :

۱- بهترین فیلمهای کارگردانانی که‌شما نام برده‌اید (البته از نظرما):

ویلیام وایلر «کلکسیونر - بن هور» بیلی‌وایلدر «غروب یك ستاره» دلمردیوز «کابوس» جان - استرجس «آخرین قطار گان هیل» اتوپره‌مینجر «بانی لیك گمشده» ریچارد بروکز «حرفه‌ایها-درکمال خونسردی» هوارد هاکز «ریو براوو» جوشا آلوگان «پیك نیك» استانلی کرامر «؟!» ۲ - آنتونی کوئین برای بازی درفیلمهای «شهوت زندگی وزنده‌باد زاپاتا» دو بارجایزه اسکار درجه‌دوم دریافت داشته است ۳ - هنرپیشگان مورد نظر شما برای بازی در این فیلمها جایزه اسکار گرفته‌اند :

فردریك مارچ «دکتر جکیل و مسترهاید- بهترین سال های زندگی ما» مارلون براندو «در بارانداز» یول برینر «سلطان‌ومن» جیمز استوارت «داستان فیلادلفیا» جاك لمون «مستر رابرتز» ویوین لی «بربادرفته - اتوبوسی بنام هوس» گریگوری پك «کشتن مرغ مقلد».

آقای جعفر زاهدی :

۱- لطف ومحبت شمارا صمیمانه ارج می نهیم ۲ - بهترین فیلم وکن کلارك؟! ۳ - «زرین دست» در مقام کارگردانی بیشتر فعالیت میکند.

آقای رحمت‌الله شهبازی :

۱- «فیلم وهنر» تقریباً درکلیه کشورهای‌عمده فیلمساز خبر نگاردارد ۲- در «شب آیگوانا» ریچارد برتن، اواگاردنر، دبوراکر وسو لیون‌بازی میکردند، فیلم نامبرده را «جان - هوستن» کارگردانی کرد، بود ۳-قرار است «بن‌هور» را مجدداً نمایش بدهند یکبار مواردی‌که «بن‌هور» برای آن «اسکار» بدست‌آورده‌است ذکر کردیم معهذا توجه بفرمائید :

بهترین هنرپیشه درجه اول‌مرد «چارلتون هستون» بهترین هنرپیشه درجه دوم مرد «هیو گریفیت» بهترین فیلم سال - بهترین کارگردان سال «ویلیام وایلر» بهترین آهنگ «میکلوس روژ»- بهترین فیلمبرداری رنگی «رابرت سرتیس» بهترین‌صدا- برداری- بهترین افه های مخصوص - بهترین طراحی لباس در فیلم‌رنگی - بهترین‌مونتاژ- بهترین طراحی دکور در فیلم رنگی.

آقایان انصاری، سلطانی (تربت حیدریه) :

از سینما های شهرستان گله و شکایت دارند، بدلیل وضع ساختمان و بعلاوه نمایش فیلم‌هائی چون فرمان خان، پروفسور نخاله، نگاه شوخ، برهنه خوشحال، آشنا، میمیرم برای پول و...

درپاسخ این دو خواننده عزیز چیزی نداریم بگوئیم جز آنکه نامه‌هایتان را برای اداره مسئول ارسال داریم و بهرحال از لطفی‌که نسبت به مجله ما دارید، تشکر می کنیم .

آقای حجت‌الله خدارحیمی:

۱- «ظهوری» بجای خودش‌در فیلم‌ها صحبت می کند ۲- «فردین» جز در زمینه سینما، فعالیت دیگری ندارد ۳- شاید «ایمانوردی» باشد !

خانم رخصت طلوعی :

۱- برای «ایرج رستمی» به‌صندوق پستی ۱۹۴۷ نامه مرقوم فرمائید ۲- آخرین فیلمهای « ایرج رستمی » ، قاتلین هم می‌گریند، آفتاب مهتاب و قماربار هستند ۳- «فروزان و جهانگیر غفاری» در «ترکیه» هستند و «بوتیمار و مارینامتز» در «بیروت».

خانم سکینه ندائی «تبریز» :

۱- هنرپیشگان فیلم « آسمان صاف » یوگین اوربانسکی و آلکسی استاخوف بودند ۲- فیلمهائی که «آلفرد هیچکاک» با « کاری گرانت » ساخته اینهاست: سوءظن - بدنام - دستگیری دزد - «در تهران :گربه سیاه» - شمال از طریق شمالغربی «در تهران: تعقیب خطرناک» ۳- از « فرانک شانون » (فرانکو پروسپری) در تهران فیلم - های قاتل حرفه‌ای (در تعقیب شیطان) وهر مردی دشمنی دارد (در بین ما یک خائن هست) را نمایش داده‌اند.

آقای غلامرضا تیر بازار (آبادان):

۱- کارگردانها : مرد آرام «جان فورد» روکو و برادران « لوکینو ویسکونتی» عصیانگر « آلن کاواليه » کت بالو «الیوت سیلورستاین» آقای اسکناس ، آقا جنی‌شده «امین امینی» اینهم یه جورشه «عزیز رفیعی » بیم و امید «گرجی» ستاره‌ای چشمک زد «بدیع» تازه بدوران رسیده «محمود کوشان» زن دشمن خطرناکیست «کریمی» تار عنکبوت « میرصمدزاده » میمیرم برای پول «مهدی رئیس فیروز» بله ۳- فیلم مورد نظرتان از «سنگ صبور» اقتباس شده بود .

آقا یا خانم ؟

چرا نامتان‌را فراموش کرده‌اید که بنویسید ۱- فیلمهای معروف جرج چاکریس اینهاست : داستان وست‌ساید «رابرت‌وایز ، جروم‌رابینز » دختر خانم های روشفور « ژاك دمی » ۲- کارگردان « فرار بزرگ » (جان استرجس) است و بازیگران عمده‌اش جیمز گارنر ، استیومک کوئین، ریچارد آتن‌برو ، دیویدمك كالوم ، چارلز برونسون» می باشند ۳- « جیمزدین » در سال ۱۹۵۴ ، طی یك تصادف اتومبیل بقتل رسید.

خانم اکرم حقگو :

متأسفانه سرکارآدرستان‌را مرقوم نفرموده‌اید تا ما تقاضای‌شمارا مبنی بر تمایلتان به مکاتبه با هنرمندان مورد علاقه‌تان با سایر خوانندگان مجله ، درج کنیم.

آقای بهرام محمودی :

۱- از «چیچو» و«فرانکو» در حال حاضر دو فیلم قدیمی باضافه « چیچو وفرانکو وجنگهای صلیبی » در تهران هست ۲- «شکوفه‌ها» حذف شد ۳- «صالح» نقش مورد نظر شما را در «کشتی نوح» ایفاء مینمود .

آقایان عباس صادقی ، اسکندر غفاری ، حسن پیرعلی یعقوبی، حسن و رمضان خرمی (آمل) :

۱- فیلمهای‌مشترك بهروزوثوقی وکتایون امروز وفردا - هاشم‌خان - زنی بنام شراب - دزد سیاهپوش ۲ - اولین فیلم سپهرنیا - گرشا و متوسلانی : طوفان در شهر ما .

آقای کیانوش عیاری (اهواز):

۱- کلاه مخملی «وایدسکرین - رنگی » بود ، پلی بسوی خورشید «رنگی» نیست ۲- قهرمانان« سکوپ» است و وسائل فیلمبرداری وسیله «پیروپورتولوپی » از « ایتالیا» به ایران منتقل گردیده ۳- مؤسسه‌ای بنام «فدال فیلم» نمیشناسیم .

آقای محمود ادیبی :

۱- کارگردان « ۷ دلاور » جان استرجس است ۲ - آخرین فیلم های بهروز وثوقی «قهرمانان» و«آسمان آبی» است ۳- کارگردان « دره گناه » مارك رابسون است.

آقای مرتضی اسماعیلی (اصفهان)

غلط های املائی درهمه سناریو- های تایپ شده هست، مسلماً ایرادات سناریوی ارسالی جنابعالی از جهات دیگر بوده، می‌توانید بااداره‌نگارش «فرهنگ وهنر» مکاتبه کرده و دلیل اصلی آنرا سئوال کنید.



دوست یابی

● مایل به‌مکاتبه باخواهران وبرادرانی هستم که«طرفدار فیلم وهنر ، بیك ایمانوردی و یدی» میباشند.

مرز خانه ـ خیابان پهلوی ـ فروشگاه افشار- محمدامین اسماعیلی.

● مایل بمکاتبه بادوستداران «رضا بیك ایمانوردی» میباشم.

مسجد سلیمان- بازارچشمه علی- مغازه آقای خیرالله پور ـ علی محمد راکی .

● با پسران و دختران علاقمند به کارگردانی وهنرپیشگی سینما و تئاتر، نمایشنامه‌نویسی و همچنین دوستداران « آرمان » حاضر به‌مکاتبه هستم .

قصر شیرین- دبیرستان پهلوی- سال ششم طبیعی بیژن کفاش زاده .

● مایل به‌مکاتبه بادوستداران گوگوش،فردین، فروزان‌و بهروز وثوقی» هستم.

خوی- خیابان دارایی- بن بست والی پلاك۶ ـ محمدباقر ختمی‌پناهی.

● با طرفداران بیك ایمانوردی ـ فردین ، پریسا ، فروزان و بهروز وثوقی مایل به مکاتبه هستم.

مسجد سلیمان- دبیرستان‌سینا ـ کلاس چهارم طبیعی ـ علی تقی ملك زاده .

● مایل بمکاتبه بادوستداران «جان‌کاساواتیس و جیم براون» هستم.

تهران ـ خیابان مرتضوی‌نواب کوچه شبستر پلاك۱۱- علیرضا مشتاق.

● مایل بمکاتبه بادوستداوان فرانك‌میرقهاری، بوتیمار،فاضلی بهروز وثوقی- راجندرا کمار و ممتاز میباشم .

میاندوآب ـ صندوق پستی ۱۷، احمدزاده .

● با علاقمندان « فردین، آرمان ، بهروز وثوقی ، پوری بنائی ، فروزان وبیك‌ایمانوردی حاضر به مکاتبه هستم.

تهران ـ خیابان فردوسی ـ مقابل فروشگاه فردوسی شماره ۴۴۶ ـ هوشنگ مطلق

● با دوستداران مجله‌فیلم وهنر « فردین ، فریبا خاتمی و فروزان » حاضر به مکاتبه هستم.

تهران ـ خیابان سیروس جنب سرای گلشن‌شکن‌آلمینیوم‌فروشی اخلاقدوست آقای اسماعیل باباخانی

● حاضر به‌مکاتبه با برادران وخواهرانی که‌دوستدارهنرمندانی چون «دین‌مارتین ، جیمز کابرن ، پل نیومن ، مارلون براندو، آلن دلون ، دیوید همینگز ، دیوید مك کالوم ، مونتگمری وود ، آن مارگرت ورا کوئل‌واتش» میباشم.

لاهیجان-خیابان‌حافظ‌جنوبی‌دبیرستان علوی ـ کلاس‌چهارم ادبی ـ حبیب‌الله ربیع نژاد

● مایل به‌مکاتبه بادوستداران «لی‌ماروین ، آلن‌دلون ، ژان‌پل بلموندو ، پل‌نیومن ، مارلون براندو،کلمینت‌ایستوود،مونتگمری وود،سوفیالورن و کلودیا کاردیناله می‌باشم .

اصفهان-خیابان‌فروغی-کوی‌بهارستان- بن‌بست شکوفه ـ پلاك ۳۸ کمال نیلیه

● مایل به‌مکاتبه بادوستداران « بهروز وثوقی ـ پوری بنائی و زرین دست » هستم .

آبادان ـ احمد آبادلین ۱۳ فرعی ـ پلاك ۱۵۸ ـ نگهدار سعیدی

● باخواهران و برادران علاقمند به فردین،پوری بنائی ، بهروز وثوقی،فروزان،راجندرا- کمار وویجنتی‌مالا مایل به‌مکاتبه هستم.

گنبدکاوس- خیابان خیام-پلاك ۱۱- میترا ریاضی.

● با دوستداران سینما و هنر مایل به‌مکاتبه میباشم .

مسجد سلیمان- دبیرستان سینا ـ کلاس ششم طبیعی آ ـ محمد رضا آذری .

تلویزیون

یکدیگر رقابت کرده و مسابقه می‌دهند، وقت پخش این برنامه چهارشنبه‌ها می‌باشد.

زنگ تفریح

● برنامه تازه‌ای است جهت نوجوانان و کودکان که روزهای دوشنبه از «تلویزیون» پخش میشود ودرآن نوجوانان آهنگ‌های مناسب سنشان را با أشعاری آموزنده می‌شنوند.

علم

● ازاین پس روز های یکشنبه ساعت ۱۹٫۳۰ برنامه گزارش علمی پخش میشود که با شیوه‌ای خاص تماشاچیان را از رویدادهای مهم جهان باخبر می‌سازد.

دراین برنامه از فیلم‌های مستند وعلمی نیز استفاده میشود ودرآن بخوبی می‌توان ازکوشش‌هائی که دررشته‌های مختلف می‌گذرد بااطلاع شد و گاهی برای روشنی بیشتر اذهان تماشاگران از اساتید فنی نیز دعوت بعمل می‌آید تاطی بحث‌هائی بینندگان را درجریان آخرین پژوهش‌های علمی قراردهند.

رسوائیهای سینما

منازل به آزار و اذیت مردم می‌پردازد وحتی بهمین دلیل بار ها بزندان رفته است!

وبا «استیومك کوئین» وبا «آلن دلون» که بارها بدلیل کورس گذاردن شان با اتومبیل و یا موتور درحد اکثر سرعت جریمه وبازداشت شده‌اند.

«آنتونی کوئین» با داشتن ۵ فرزند، چندی پیش بعلت داشتن سیگار و اجناس قاچاق مدتی به زندان محکوم شد، البته «زندان» برای «کوئین» تازگی ندارد و وی بار ها در جوانی به زندان محکوم شده است.

اگر بخواهیم از این جور موارد ذکر کنیم، سطور فراوان وصفحات متعددی را میتوان بدان اختصاص داد که فعلا ازآن صرف نظر می کنیم و این نتیجه را می‌گیریم که نه‌تنها ازافتضاحات سینما در دوره حاضر کاسته نشده بلکه ازجهات مختلف آن توسعه یافته، منتهی اکنون دیگر قبح اعمال زشت از بین رفته است و تنها چیزی که اکنون از نظر مردم اهمیت دارد نوع جنجالی است که در اطراف هنرپیشه محبوبشان بوجود می‌آید وبرای هنرمندان نیز تنها سروصدا وجاروجنجال و کلا مطرح بودن مهم است وسایر جنبه‌ها اهمیتی ندارد اگرچه به فضاحات غیر قابل ذکر هم نیاز باشد!! ■

سومین فستیوال

طاهری- وتاکنون داوران مجمع منتقدان ایرانی وهمچنین کودکان تعیین نشده‌اند.

درسومین فستیوال بین‌المللی کودکان جمعی ازمنتقدان فیلم از نشریه های معتبر جهان نظیر از آبزرور و ساندی تایمز (لندن) نیوزویك (آمریکا) و نوون ابز-واتور (ایتالیا) شرکت مینمایند وبعلاوه تعدادی ازسازندگان فیلم نیز شرکت دارند که می‌توان از بین آنها «رائول سروه» کارگردان بلژیکی «نفرت ازرنگ» رانامبرد که درسال گذشته فیلمش توانسته جایزه مهم فستیوال را کسب کند که درسال‌جاری ازوی فیلم «پری دریا» را قراراست نمایش بدهند.

قابل ذکراست‌که از ایران «پسربچه وکبوتر سفیدش» ساخته «فریدون فرخزاد» و «آنسوی هیاهو» ساخته «خسروسینائی» نمایش داده خواهدشد.

فستیوال مزبور بمدت ۱۰ روز بطوررسمی درسینما دیاموند و بطور غیررسمی برای استفاده سایرین در سینمای «مهتاب» و «تالار فرهنگ وانجمن‌دوشیزگان وبانوان» نمایش داده میشود.

درهفته‌های آینده ازجریان برگزاری فستیوال و فیلم های نمایش بحث ونقد خواهیم کرد. ■

امین امینی

- صرفاً برای زیبائی بیشتر.

■ **درموردموقعیت اخیر سینمای ایران چه‌نظری‌دارید؟**

- من برخلاف فیلمسازانی که معتقدند سینمای ایران‌درجا میزند، من فکر میکنم که‌سینمای ایران درحال ترقی بوده وهست ومسلماً برتر و بهتر ازاین‌ادامه پیدا خواهدکرد، همه کسانی که اعتقاد به رکود سینمای فارسی دارند یك‌مقایسه کوچك بین فیلم‌هائی که‌درحال حاضرساخته‌میشود وفیلم‌های ده سال پیش حتی دو سال پیش بعمل بیاوٰرند تامتوجه پیشرفت ازنظر تکنیکی،فکری‌و تهیه بشوند، البته بدون‌اینکه‌هیچ کمکی‌ازناحیه‌ای به‌فیلمسازان بشود.



مد و زیبائی

مد پرست زنها بوجود آورد و آنها دوختن و پوشیدن این‌طرح لباس را آغاز کرده‌اند. این طرح که اینك موافق طبع آنهاست، بین مچ پاوزانو قرار میگیرد وکاملارانهارامی‌پوشاند. این مد تاکنون زیاد اشك دختران تازه جوی این‌عصررا درآورده،چون ملاحظه می کنند که نسل گذشته تمام زحمات آنان‌را بااین بلندکردن‌لباس بباد میدهند. آیا «میدی‌ژوپ» پیروز خواهد شد،کسی چه میداند، این مد محسنات تازه‌ای دارد مثلاموقع نشستن روی صندلی، دیگر هیچ زنی اجبار ندارد که‌رانهای عریانش‌را بادستمالی بپوشاند، این مد جوری دوخته‌میشود که تمام زانو و ران را از دیدگاه مردان حریص روزگار ما مصون‌میدارد. در هر صورت احتمال دارد «میدی» در مبارزه با «مینی» پیروز بشود ودختران مینی‌پوش نسل جدید ما، ماتم تازه ای بگیرند، دخترانی چون «جین‌شریمپتون» بزرگترین‌مدل انگلیسی و «جولی کریستی» که با یك مینی‌مینی‌ژوپ نوظهور به‌حضور پرنس مارگارت‌شرفیاب گردید!...

دارنده‌امتیاز و مدیر
عبدالمجید رمضانی
زیر نظر:
علی مرتضوی
نشانی: ابتدای روزولت - شماره ۳ - آپارتمان ۱۰
تلفن: ۶۱۱۰۷۱
صندوق پستی: ۱۹۴۷
چاپ تابان تلفن: ۳۰۳۴۵۶
گراور: تهران گراور تلفن: ۳۳۹۳۵۵
روی‌جلد: آلن دلون
پشت جلد: بهادران
تابلو وسط: امین‌امینی
هنرپیشه فیلم: چهار درویش



کاترین دنوو

قلبش، تأثیر شگرفی بر دل‌ها بگذارد . مدیر فیلمبرداری «پیرلوم» است که سرپرستی یك گروه تکنیسین جوان را که در میان آنها باید به «فلورانس‌مالرو» دختر « آندره مالرو » وزیر فرهنگ فرانسه اشاره کرد ، بر عهده داشته‌است.

این‌فیلم تماماً در پاریس و سن‌تروپه‌فیلمبرداری شده‌وصحنه‌های عشقی آن فقط به‌مدت یکهفته درداخل استودیو ساخته گردیده است .

ازکاترین دنوو ، علاوه بر این دوفیلم جدید ، فیلم «مانون ۷۰» را هم داریم که در آن با رابرتوبر همبازی است وصحنه‌های سکسی این فیلم ، جنجال فراوانی بوجودآورده‌است. اینك این‌زن میرود تاخاطره جاودانی «گاربو» را دراذهان مردم‌بیدار سازدوعنوان «کاترین‌ابدی‌سینما» را کسب نماید . ■

آلن دلون

زندگی داخلی‌اش داشته باشد ، بهر حال شروع این کار برای‌اوآزمایش خوبی‌است‌که خودش را بهتر بشناسد، منهم وقتی وارد کار هنرپیشگی شدم تصورش را هم نمیکردم که روزی عاشق حرفه‌ام بشوم .»

بهرحال‌فیلم«ساموراائی» تجربه تازه «آلن‌دلون» درکار سینما پایان یافته است و باید منتظر ماند و دید که این نخستین کار مشترك آلن‌دلون وهمسرش چه‌گونه فیلمی شده است .

روی پرده

سفر بدون بازگشت «ایتالیائی»

سوژه‌فیلم در خصوص برخورد یك زن است با سه مرد که‌هرکدامشان برای وی محتمل یك مقدار حوادثی بوده‌اند. «کلودیاکاردیناله ، فرانکو نرو ، لی . جی.کاب ، سرژرجیانی » بازیگران اصلی این فیلم می‌باشند .

جدال در ویابلو «آمریکائی»

فیلمی است از « رالف‌نلسون » (که اخیراً از وی « شب قهرمانان » را مشاهده‌کردیم) ، درمایه «وسترن» که‌در آن «سیدنی‌پواتیه،جیمز گارنر، بی‌بی‌آندرسون» بازی‌می‌کنند .

بازگشت به احسان

● او هرگز و هیچوقت دست از ور رفتن و چانه براندنش بر نمیداشت، مگر گاهگاهی که آنهم بفکر کردن در باره آنچه بعداً میخواست بگوید، میگذشت. حوصله غریبی در تحمل متلها و ناسزا هائی‌که زنها باو می‌دادند، داشت. زنهائی‌که هر بار می‌آمدند و اومأیوس برشان میگرداند.

اطلاق کلمه «مأیوس» شاید در این مورد زیاد هم صحیح نباشد، چون در واقع زنها هرگز انتظار نداشتند او بوعده‌ای‌که داده بود، وفا کند. آنها ظاهراً وعده های وی را قبول میکردند، اما باطناً پذیرفتن حرفهای او زیادهم کار ساده‌ای نبود.

خیاطباشی، مرد نجیب و خوش زبانی بود وولی سرش داروی گردنش کج میکرد و مثلا میگفت: کتی برای روز چهارشنبه حاضر میشود یا لباسی روز شنبه ازکار درمی‌آید، زنهامردد ودو دل جلو او می‌ایستادند وخیاطباشی بمشاهده تردید آنهاموعدتحویل لباسهارا تکرار میکرد.

وآنگاه زنها نفس‌خودرا حبس کرده، خیره خیره نگاهش میکردند وتذکر میدادندکه حتماً باید همان‌روز لباسهایشانرا تحویل دهندوگرنه لباس دیگری برای پوشیدن نخواهندداشت. و در این مواقع بود که خیاطباشی قیافه‌ای جدی‌گرفته، صدایش را بم کرده و بلحن غیر قابل تردید جمله همیشگی خودرا تکرار میشود. «حتماً خانم، صددرصد حاضر خواهد شد» واگر زن باز ازشك خود بیرون نمی‌آمد، او بسوی مشتری دیگری‌که احیاناً منتظر بود وی دگمه لباسش را بدوزد برمیگشت ومیپرسید، «حضرت آقا چه فرمایشی داشتند؟».

ودرصورتی که مشتری تعارف و تشکری میکرد، اوسرش را پائین می انداخت و بالحن تأسف‌آمیزی میگفت: «آقا اصلا این شك و دودلی خانمها جزء لاینفك جنسشونه!» و همدرحالی که مشتری بینوا بدون کت در دکان کوچك او که سقفش بخیابان بازمیشد، منتظر ایستاده بود، بزور در مغز او میچپاند که مثلا او مشتری عزیزیست ولیکن درحرفها و کارهای او که در کمال محبت ووفاداری گفته میشود یا انجام میگیرد، دیگر جای هیچگونه فضولی ووخالت نیست. وهمانطورکه کت اورا میدوخت یاشکاف آنرا ترمیم می‌کرد وباز ازاوصاف جنس زن داد سخن میداد: «بعله آقا اصلا این تحمل وگذشت الصفات برجسته خونواده ما بود وگرنه...» مشتری لبخندی میزد و خیاطباشی خوشحال میشد.

و اگر اتفاقاً این مشتری عزیز همان روز چهارشنبه یا شنبه موعود گذارش باین دکان کوچك می افتاد، خیاطباشی را میدید که زنی‌را پشت پاراوان راهنمائی میکند و شاگردش را از پستوی دکان آواز میدهد تا لباسهای وی‌را بیاورد.

وآنگاه کارگری باجلیقه بی‌دگمه وپر از سنجاق و سوزنهای نخ‌کشیده، درحالی‌که چند تکه پارچه راکه بزور سرهم بسته بودند، دردست داشت، با کفشهای راحتی خود ظاهر میشد.

خیاطباشی این چند تکه‌راانگار که لباس کاملی است، از دست‌او می‌گرفت وپشت پاراوانی که زن منتظر بود، میرفت.

مشتری عزیز هم بخاطراحترام بجنس زن، اکتفا میکرد که همانجا بنشیند وفقط قامت این مشتری ظریف درمغز خود نقاشی کند.

لحظه ای بعد فریاد های خشم آلود زن از پشت پاراوان بلند میشدکه میگفت: «آقای ماریسون بازهم که دروغ گفتید. وعمداً دروغ گفتید. آخه مگه قرار نبود لباسهای‌من امروز حاضر بشه؟ خودتون هم میبینید که با این وضع شاید تا یك هفته بعد هم حاضر نشه.»

- «یك هفته بعد؟ اوه خانم من بشما ثابت میکنم که ...»

- «خوب بسه دیگه. بیش ازاین بامن حرف نزنید. این دیگه آخرین باره‌که بشما مراجعه میکنم. اماگمون می‌کنم بااین ترتیب اصلا نتونم لباس‌هامو ببرم - خوب حالا کی حاضر میشه؟»

- فردا، بله‌فرداظهر.خاطرتون جمع جمع باشه.»

- «حالا خوبه خودتون هم میدونیدکه ظهر ها هیچوقت پیداتون نیست. گمونم باید خودتون خجالت بکشید.»

- «باورکنید خانم اگه توخونه مریض نداشتیم تا حال لباسهای شما بدست خودم تموم شده بود، اما صد درصد فردا ظهر حاضرش میکنم.»

- «من میدونم حاضر نمیشه، اما بازهم میام.ولی الحالا بکم‌صلاحتونه که حاضرش کنید.»

- اوه البته.»

زن آنوقت حرفهائی میزد و انتقادهائی ازدوخت لباسش میکرد. من مئی میشمود و باز صداش بااحساس عمل خلافی‌که درباره‌اش انجام‌گرفته بود، اوج میگرفت. بطوری که وقتی از پشت پاراوان بیرون می آمد، با قیافه‌ای برافروخته مستقیماً بسوی در دکان میرفت و درحالی‌که میگفت «حالا یادتون باشه!» ازنظر ناپدید میشد.

مشتری میگفت: آقای ماریسون بحثتون خیلی طولانی بود!» و او جواب میداد «یارو خیلی بد اخلاقه» اما در قیافه اش هیچگونه ناراحتی پیدا نمیشد، چون‌او باهمه «شکارهای» خود همینطور بود و اهمیت نمیداد که آنها چگونه آمدند و چگونه رفتند.

یك روز این مشتری عزیز در دکان خیاطباشی بود که یك مخلوق مهربان خدا آمد و خواست باترس‌و لرز خیاطباشی را سرزنش کند:

«آقای ماریسون این‌سومین‌باره که من میام ومأیوس برمیگردم، باور کنیدآقای‌ماریسون من‌هیچ‌دلم‌نمیخواد اگه شما قصد عمل کردن وعده های خودتون‌رو نداشته باشید، بمن قول بدید. آخه این‌که رسمش نیست عزیز من.»

- «اوه.البته خانم بالاخره کار‌ها روبراه میشه،کارگرا اعتصاب کرده بودند.»

- «خیلی خوب، من‌یکبار دیگه حرفهای شمارو باور میکنم.»

- «بمن‌اعتماد داشته‌باشیدخانم»

وقتی زن رفت مشتری پرسید: «آقای ماریسون من ازاین‌کارهای‌شما سر در نمی‌آرم. شماازهیچ رفتارخشن اینها ناراحت نمی‌شید و باهاشون‌یکی بدو میکنید..»

- «اینطور هم نیست آقا، من قول میدم گاهگاهی میشه‌که من حتی جائی پیدا نمیکنم نگاه کنم. با این خانمها سازش کردن واقعاً کار طاقت فرسائیه. حالا نگاه‌کنیدکه میخواهند حق رأی هم بهشون بدهند!»

وبعد شروع‌کرد به جمع کردن الگوهائی‌که روی زمین ریخته بود و ظاهراً زن هنگام عصبانیت آنها را پرت‌کرده بود.

یکروز دیگر همین مشتری‌عزیز دردکان‌خیاطباشی‌نشسته بودوخیاطباشی لباس زنی را (که قرار بوده حتماً لباسهایش شب قبل بمنزلش فرستاده شود) پشت پاراوان پرو میکرد. دو زن دیگر هم بیرون ازپاراوان نشسته وگپ میزدند.

مشتری عزیز حالا دیگر باخلاق خیاطباشی خوکرده بود، وطبعاًعلت خونسردی‌او واحترازش از حرص و جوش درمقابل خیاط‌هم زیادموضوع بغرنجی نبود. او اوائل بهار یکدست لباس بهاره سفارش داده بود که خوشبختانه برای اواخر فصل حاضر میشد!

مشتری آنروز منظوری نداشت ولی حس کنجکاویش‌تحریك شده بود ومیخواست ببیند این‌زنهاچه‌میگویند. وبهمین جهت با دقت تمام بصحبتهای آنهاگوش میداد، یکی از زنهاگفت: «واقعاً جای تعجبه که ما چرا نمی‌خواهیم پامونو از اینجا بکشیم.»

ودومی‌گفت «گوش‌کن‌بگم‌چرا. اولا دستمزدش‌کمه و ما ثلث یا ربع پولی‌روکه باید در جاهای‌دیگه‌بدیم، بهش نمیدیم. ثانیاً خودش آدم خوب ودرستکاریه. بعلاوه یك استاد بتموم معنیه، توکارش سبك بخصوصی‌داره، اما با وجود اینهاچرا ما اینقدربهش علاقه‌مندیم موضوع حیرت‌آوریست.»

زن حرفش را برید و هر دو خندیدند واولی افزود «امامن باور نمیکنم او واقعاً قصد فریفتن کسی‌رو داشته باشه.»

- «البته منهم باور نمیکنم. یقین دارم دلش میخواد بوعده هاش عمل‌کنه. اماحتی‌وقتی اینکاررو نکرد، باز هم نمیشه‌که دوستش نداشت.»

زن اولی با سرش بزن پشت پاراوان اشاره کرد وگفت «اوستا، خیلی وقته باهاش ور میره.»

ودومی جواب داد «حالا دفعه دیگه‌که لباسها حاضر نیست، نوبت خانمه‌که با اوستا ور بره.»

ولی زن سوم با لبخندی غیرمنتظره از پشت پاراوان بیرون آمد وخیاط با تعظیم‌وتعارفی‌بسراغ‌زنهای دیگر رفت، چشمکی هم بمشتری‌عزیز خود زد وگفت «همین‌الان،لباسهاتون حاضر میشه، من هرچه زودتر...»

مشتری حرفش را برید و گفت «نه، نه من هیچ عجله‌ای ندارم.» وخیاط در حالیکه پرده را میکشید، گفت «یکدقیقه بیشتر طول نمی‌کشه.» و لحظه‌ای بعد باز سیل اعتراض و سخنان عتاب‌آلود شروع شدکه ازآن زنهای خوش‌اخلاق بعید بنظرمیرسید.

مشتری تعجب‌کرد وازخودپرسید «یعنی واقعاً ممکنه زنها از این پرو دقیق و طولانی و خیاط از ور رفتن با این‌خانمها خوششون‌نیاد؟آیا واقعاً

نوشته: ویلیام دین‌هاولز

ترجمه: پارسا

این خیاطباشی بقول‌های‌خودش‌ایمان داره ؟ آیا این خودش نبوغی نیست که آدم در مورد درك کیفیت کارها خودشو بنفهمی بزنه؟»

واین‌سئوالات روزی‌جواب‌یافت که خیاطباشی بطور غیرمنتظره‌اظهار کرد که دکانش را فروخته است و کارگری‌که همیشه با جلیقه بیدگمه پر از سنجاق و سوزنش لباسهای زنها راکه قرار بود آنروز تمام‌شده‌باشد، برای پرو بدست خیاط میداد، صاحب دکان شده است.

آنروز خیاط بمشتری عزیزش گفت «شاگردم لباسهای شمارو تموم میکنه ، او خودش یه خیاط حسابیه . هم‌برشش خوبه وهم‌دوخت‌ودوزش.» و مشتری با ناراحتی پرسید « آخه چرا ؟ چرا ؟ »

- « نتونستم بمونم، طاقتم‌طاق شد. با این ترتیب که زنها با آدم روبرو میشن ، وقتی شما سعی کنید راضیشون‌کنید، بخودتون ظلم‌میکنید.»

- « میدونم.اینو میدونم . اما گمون میکردم شما از‌این‌کار خوشتون میاد . شما همیشه بهشون‌قول‌میدادید وهیچوقت هم عمل نمیکردید.»

- « و اگه قول نمیدادم چی ؟ میدونید اونا منو مجبور میکردند . بزور از من قول میگرفتندو تا بهشون وعده نمیدادم دست از سرم بر نمی-داشتند. هرکسی هم لباسش‌را زودتر از لباس دیگری میخواست. آخه‌کمی فکر بکنید.»

- « اماشمامیبایست‌بفکر قولهای خود باشید.»

- « ای بابا ، من‌گاهی‌فکرمی-کردم که اونها عمداً قصد آزار منو دارند . روزی زنی خودش بمن گفت که میخواسته روزی‌کتکم بزنه . آخه اینهم شدکار ؟!»

- « ولی شما که ظاهراً باین چیزها اهمیت نمیدادید؟»

- « بله همینطور بود. امادیگه طاقتم‌تموم‌شدودیگه‌مغازه‌رو‌فروختم.»

خیاط با ناراحتی سرش‌را تکان داد. اما مشتری حرفی نداشت بزند. فقط پرسید لباسها کی حاضر میشود ، خیاط هم وعده‌ای داد وهردورفتند.

خیاط جدید لباسهای مشتری‌را پرو کرد ، اما دقیق نمیدانست کی تمامشان خواهدکرد.

- « حالا ما سفارشات زیادی داریم‌که متعلق بمشتریهای قبلی‌است. بعد از این ما با سبکی دیگه‌کار می-کنیم و دقیقاً بمردم میگیم که چکار میکنیم . »

مشتری گفت « بله . اتفاقاً کار خوبیه.» اما ته دلش نمیدانست‌که‌آیا واقعاً از این سبك جدید خوشش می‌آید ؟

یکروز قبل از موعد لباسهایش بود که سری بخیاطی زد . از پشت پاراوان صدای صحبتی بگوش‌میرسید. صدای خیاط جدید و خانمی بود که لباسش پرو میشد وخیاط بلحن‌آمرانه میگفت‌که وی نباید انتظار داشته‌باشد لباسهایش درموعدی که‌خودش‌پیشنهاد کرده‌حاضر شود .

- « نه خانم. ما حالا سفارشات زیادی داریم‌که زودتر از هفته دیگه نمیشه حاضرشون‌کرد.» بعدهمان صدا بگوش رسید که ظاهراً خطاب بزنی دیگر میگفت « خانم بشما هم عرض کردم فردا.»

و لحظه‌ای بعد خیاط جدید در حالیکه کتی نیمه تمام بدست داشت ، از پشت پاراوان بیرون‌آمد.زنی‌گفت:

- « میدونم‌که‌گفتید فردا ، اما فکر کردم شاید قبل از موعد حاضر بشه . اینه که اومدم . خیلی خوب ، فردا میام.»

- « بله خانم فردا.»

ظاهراً خیاط‌زیادهم ازشوخی‌زن خوشش نیامده وقیافه‌اش‌گرفته بود.

چند هفته بعد که مشتری برای یك اصلاح جزئی در لباسهای‌تازه‌اش بخیاطی آمد ، ازپشت پرده‌صداهائی بگوش میرسید . اما صحبتها برخلاف سابق نرم ولطیف بود. صدای نشاط‌-آلود زنی بود وجوابهای‌ملایم‌مردی که میگفت «البته خانم ، البته.»

وآنگاه‌خیاط‌پیر باز با دمپائیها وجلیقه بیدگمه پر از سنجاق‌وسوزنش از پشت پاراوان پیدا شد . مشتری حیرتزده پرسید :

- « نه ! شما ، شما اینجارو پس‌گرفتید ؟ »

و خیاطباشی جواب داد « نه ، حالا دیگه منه یه‌کارگر ساده اینجاکار میکنم . (خیاط جدید) خواست‌که من برگردم ، او با سبك خودش‌کاری‌از پیش نبرد . مرد خوبیست ، درکارش ماهره ، اما ...»

سرش‌راپائین‌انداخت. بلباسهای ناتمام روی بازوانش نگاهی کرد ، نخی را از پارچه‌کشید و افزود :

- « ... اما بنظر او من بهتر میتونم با خانمها سازش‌کنم. » ■

مسابقات

یك مسابقه ابتکاری با جایزه‌های نفیس !

فیلم و حیوانات ؟

● تاکنون فیلم زیادی ساخته شده‌اند که نام حیوانات در آنها ذکر رفته ، و بدون شك اکثر خوانندگان مطلع و باذوق ما بیشترشان را دیده‌اند ، برای شرکت در این مسابقه به یك تن از کسانیکه بتوانند نام **۱۵ فیلم** با نام ۱۵ حیوان مختلف را قید کنند بحکم قرعه **یك ساعت** و به سه تن از کسانیکه نام **۱۰ فیلم** را با نام ۱۰ حیوان مختلف ذکر نمایند بحکم قرعه « **۳ خود نویس تمام طلای پایلوت** » و پنج تن از دوستان عزیزیکه نام **۶ فیلم** با نام ۶ حیوان مختلف نام ببرند بحکم قرعه « **۵ کارت دریافت ۵ عدد صفحه** » تقدیم خواهد شد .

■ پاسخ صحیح مسابقه از یك تا سیزده

۱- یك مرد و یك زن ۲- دو روز جهنمی ۳- سه گروهبان ۴- چهار سوار سرنوشت ۵- پنج ملوان و صدتا دختر ۶- شش تا شیطون ۷- هفت دلاور ۸- هشت گلادیاتور ۹- نه ساعت براما ۱۰- ده فرمان ۱۱- یازده سارق در لاس‌وگاس ۱۲- دوازده مرد خبیث ۱۳- سیزده سرباز یا سیزده شبح .

■ حل صحیح جدول شماره ۲۰۶

افقی ۱- ژان‌ماره ۲- هاریسون ۳- پل نیومن ۴- داناهیو ۵- پیشخدمت ۶- جان فورد ۷- استانلی کوبریك ۸- ده فرمان ۹- تویکایی ۱۰- شرق بهشت ۱۱- دراکولا ۱۲- گلن‌فورد ۱۳- برندگان .

■ برندگان شماره ۲۰۶

● لازم بتذکر است که در مسابقه «از یك تا سیزده» بیش از دو هزار نفر شرکت کرده بودند که پس از بررسی نامه‌های رسیده ۱۶۱۲ پاسخ صحیح در قرعه کشی شرکت داده شد و افراد زیر بعنوان برنده تعیین گردیدند.

برندگان مسابقه از یك تا سیزده : محمد باقر اسلامیه «تهران» ـ زهره پژوهش «آبادان» ـ نیکتاج مرادی «تهران» **(برنده خود نویس تمام طلای پایلوت) .**

بهروز صمدی ـ « تهران » شکوه هدایتی « شهسوار » ـ محمدعلی ستون‌زاده «یزد» ـ **(برنده کارت دریافت ۵ عدد صفحه).**

شهین فریدی ـ «تهران» مصطفی خرازی « تهران » لیلا فروهی « تهران » عبدالله حسینی « مشهد » محمد علی قربانی «اهواز» ـ **«برنده کارت لژ دو نفره سینما».**

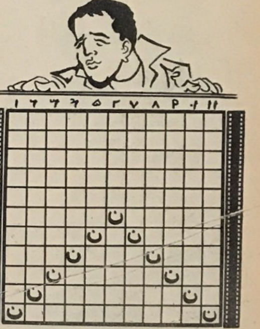
برندگان جدول : مسعود حاجبی « تهران » ـ منیژه بهزادی (زاهدان) فاطمه هدایتی‌نیا « تهران » سمیرا مرآتی «قم» محمد جواد نائینی «کاشان» **«برنده کارت ۲ عدد صفحه»**

● **برندگان تهران ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه می‌توانند برای دریافت جوائز خود بدفتر مجله مراجعه کنند وجایزه برندگان شهرستان نیز به آدرسشان ارسال شد .**

● **قابل توجه برندگان شماره ۲۰۵**

لطف بفرمائید مجدداً آدرس دقیق خودرا به آدرس صندوق پستی ۱۹۴۷ مرقوم بفرمائید ، و روی پاکت قید کنید مربوط به شماره ۲۰۵ .

جدول این هفته



عمودی :

۱- نقش آفرین فیلمهای دختر عمویم راشل ـ تمشك وحشی و با خشم بگذشته بنگر ۲- عنوان فیلمی با شرکت مارچلو ماسترویانی ـ اورسلا آندرس و الزا مارتنیلی ۳- ستاره فرانسوی فیلمهای آوازه خوان نه آواز ـ کلبه عمو توم و لقمه زیبا ۴- آشوبگر طناز فیلمهای ملاقات در چین ـ تازه چه خبر پوسی‌کت و آن زن ۵- ستاره فیلمهای مردی در تور ـ آخرین قطارگان هیل و ماجرای وسوسه آمیز ۶- ستاره فیلمهای باعشق ولی تنها ـ گرداب حقیقت و دو روز جهنمی ۷- ستاره فیلمهای کاردینال ـ همسایه خوب سام و بوکاچو ۷۰ ۸- نام فیلمی با شرکت چارلتون هستون ـ رزماری فورسایت تحت نظر فرانکلین شافنر ۹- (شورش ....) نام فیلمی بود با شرکت هنرپیشه‌ای که کاریکاتورش را ملاحظه می‌کنید ۱۰ ـ ستاره فقید فیلمهای سمیرامیس ـ همسر امریکالی وجدال در او ،کی ، کرال ۱۱- هنرپیشه فیلمهای بازداشتگاه شماره ۱۷ ـ شیرو آلوارز کلی.

طرح از ـ غلام آتش دامن مسجد سلیمان

آشنائی با کارگردانان بزرگ جهان

آلن کاوالیه



● « آلن کاوالیه » عصیانگر جوان - درحال رهبری «کاترین دونوو» و «میشل پیکولی» در صحنه‌ای از فیلم La chamade

● نمایش یك فیلم ساده که باعلاقه ، زیبا، ماهرانه، گرم وبا احساس ، جدی و قابل تعمق و نتیجتاً قابل ستایش ساخته شده بود سبب شد که تماشاگران و علاقمندان صمیمی فیلم وسینما با جوانی بانام «آلن کاوالیه» آشنا شوند وسیله اولین فیلم طویل و دومین تجربه یك جوان که فوق العاده اعجاب انگیز بود.

«آلن کاوالیه» که نامش برای علاقمندان سینما در ایران مترادف بافیلم «عصیانگر» است فعلا یکی از پرمایه ترین کارگردان های جوان فرانسوی است. وی باعرضه فیلم «عصیانگر» در ردیف خوش آتیه ترین چهره های سینمای فرانسه قرار گرفت. وی باوجودی که خیلی کم فیلم میسازد معهذا مورد تحسین عموم است. «کاوالیه» عصیانگر خود را در یك زمینه بسیار نو وبدیع سینمائی بوجود آورد وهمین بداعت وتازگی فیلم او سبب گشت که تحسین منقدین جهان را برانگیزد.

«عصیانگر» با تأثیر عمیق و تکان دهنده اش باپیام تلخ و دردناك و پیام انسانی و ارزنده خود با بودجه ای اندك، وسایل مادی فقیرانه اما بامقدارفراوانی ازآنچه که سبب ایجاد فیلم خوب میشود سواد، شعور، ذوق وسلیقه وقدرت پرداخت ، ساخته شده . داستان فیلم بازگشت یك مرد به خانه اش ومشکلاتی است که دارد وتلاشی که وی جهت زنده ماندن صرف مینماید و این نیرو تاآن حدودست که فرزندش را درمقابل خود می یابد و بعد چشمانش را برهم میگذارد .

« آلن کاوالیه » قبل از «عصیانگر» آن چنان معروف نبوده وحتی ازنظر بیوگرافی نیز چیز چندان قابل بحثی نداردو بهم‌رفته اختصار میشود به سفرش در مدتی نسبتاً طولانی به افریقا و تحصیل در « سوربون » برای دریافت لیسانس در تاریخ و بعد علاقه به سینما، علاقه به بازگوی آنچه که مدتها وسوسه اش کرده بود وادارش نمود که بکاری جز آنچه که تحصیلات و تجسساتش اجازه میداد، بپردازد. به « سینما» که دوستش داشت. وجودش وسوسه ای درجودش جهت ابراز حرفها و ایده هایش شده بود، بهمین جهت باتلاش فراوان بعد ازمدت های طولانی اشتغال به کارهای مختلف

سرانجام توفیق آنرا بدست آورد که مقام آسیستانی «لوئی‌مال» را در کارگردانی فیلم «عشاق» بدست آورد، بعد از آن شخصاً به تهیه فیلمی کوتاه تحت‌عنوان «نبرد در جزیره» پرداخت و پس از آن «آلن‌دلون» اورا درساختن اولین فیلم‌طویلش‌یاری داد، بدو استقلال کامل بخشیدتاوی بتواند براحتی و آسایش حرفهایش را بقالب تصویر بازگوکند و بعدازنمایش «عصیانگر» ، «کاوالیه» بیش از اندازه مورد توجه و تعمق قرار گرفت و کارش ازجنبه‌های مختلف مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفت، بالفرض در وحله اول منتقدین کارش‌را براساس متن‌های خبری روز قرار دادند چه سوژه هردو فیلم که درآنها به « الجزیره » اشاره شده بود این‌نظر را پیش می‌آورد، حال آنکه « کاوالیه » نظری جز این داشته است ، وی میگوید :

«اشاره به « الجزیره» در «نبرد درجزیره» و « عصیانگر» یك امر تصادفی بوده و پرسوناژ ها تنها از « الجزیره » عبور کرده‌اند ومن هیچگاه قصدی در ترسیم تابلوئی از « الجزیره » نداشته‌ام و این صرفاً یك سلیقه ساده است که شاید از تحصیلات ومطالعاتم در تاریخ و رابطه بین فرد وجمع ناشی شده باشد. »

« آلن دلون » شاید تنها فرانسوی باشد که در بازیگری رسالت خاصی دارد و بیشتر با حرکات چهره‌اش تماشاگر را در احساس خود شریك می‌کند و «کاوالیه» درکارگردانی ورهبری او بیش از همه این مورد را در نظر داشت ، بهمین‌جهت ، همان قدرکه کار «کاوالیه» درپرداخت «دلون» در ابتدای فیلم که نیاز به‌رد وبدل «دیالوگ» بین هنر- مندان بود مشکل مینمود ولی‌در قسمت دوم که صرفاًنمایش‌احساس مرد درسفرش بخانه بود ، توفیق داشت ولی وضع درمورد «ژان- لوئی ترن تینیان» فرق میکرد و از همان ابتدا « کاوالیه » مصمم بود که ترتیبی بدهد که «ترن تینیان» فیلم« عصیانگر» بکلی شباهتی با «ترن تینیان» فیلم‌های قبلی وی نداشته باشد ، فیلم کلا تجربه‌ای تازه بود از آنچه که‌یك‌فیلمساز‌جوان‌وباایده، واقعاً دوست دارد .

«کاوالیه» برای «هنرپیشه» اهمیت زیادی قائل‌است بدودلیل اساسی : ابتدابخاطر آنکه هنر- پیشه‌هادرواقع تجسم دهنده آنچه هستند که مردم فکر میکنند و نتیجتاً بدون آنها هیچ‌چیزوجود ندارد . چه بعقیده « کاوالیه » هنرپیشگان شکل خارجی ومرئی چیزهای قابل لمس هستند که در یك کارگردان بصورت درونی و غیر مرئی وجوددارد . وعلت‌دوم آنست که توانائی یك کارگردان روی یك‌هنرپیشه‌درعمل‌هیچ‌است، چون نمی‌توان یك هنرپیشه را تعویض کرد واورا به‌غیرازآنچه که‌هست مبدل‌نمود ، برای کشف هنرپیشه بایدآنهاراکاملاشناخت. بنابر این بایستی از یك اساس کاملاطبیعی شروع کرد و آنهارا ازروی میل و ازروی کنجکاوی بکار واداشت .

«کاوالیه» کارگردان جوانی است که روی‌علاقه شدیدش بسینما آمده حرفی بزند وچیزی‌بگوید، یاباید عقب بنشیند ، و یا لااقل بطورموقت درایده‌هایش‌درحرف- هایش درپرده بگوید تاشایدتهیه کننده‌ای باوکاری‌بسپارد تابتواند طی کارهایش گاه‌دراوج وگاه در یك‌صورت معتدل‌تر بارقه ازوجود خودرا بررخ بکشد .

و اکنون «کاوالیه» پس از مدتهای طویل رکود فیلمی را مجدداً آغاز کرده‌است ، فیلمی تحت عنوان La chamade که «کاترین‌دونو» و «میشل‌پیکولی» و «روژه وان هول» درآن‌نقش- های اصلی را ایفاء می‌کنند ، داستان‌فیلم از«فرانسوازساگان» است که در آن یك مثلث عشقی بررسی‌میشود ، که طی‌آن یك‌زن درانتخاب یکی‌از دوعشق ، همسر ومعشوقه مردداست .

وی‌درنظر دارد بعدازفیلم- های اولیه‌اش که به ماجرا های کنونی وسوژه روزگرایش‌داشته، همچنان درفیلم‌های تازه‌اش‌به‌سال ۱۹۶۱ الجزیره‌که در «نبرد در جزیره» و«عصیانگر» بآن اشاره شده بود، بازگردد ومثلا روابط بین الجزیره‌ای‌ها و اروپائیان‌را فیلم‌کند ودراین‌فاصله بدش‌نمی- آید که فیلمی درمورد یك زن ۱۹۳۰ بسازد مثلا فیلم « دوست من» اثر «پ.ژ. توله».

ولی«تاریخ» برای‌اواهمیت زیادی دارد وفیلم هائی در باره زن ویا سایر زمینه‌ها یك پرانتز است و «کاوالیه»میخواهدهمچنان صاحب نقش‌وایده‌باشددردوره‌ای که تحول‌سریع‌تر وعظیم‌ترصورت می‌گیرد ودرسال‌سینماوتلویزیون جمعاچهارهزارنمایش‌عرضه‌می‌کنند ومردم بیش‌ازپیش‌عینی‌شده‌اند: ■





رویدادها

■ با بازگشت « وحدت » از « تاشکند » فیلمبرداری فیلم «دو دل ویك دلبر» آغازخواهد شد. قبلا نام آن «سلام‌بر تهران» بود .

فیلم نامبرده بطریق«رنگی ایستمن کالر» در استودیو نقش جهان باشرکت «وحدت، ظهوری ویك ستاره آلمانی بنام‌ایشگرید» به کارگردانی « وحدت » توسط « شکرالله رفیعی » فیلمبرداری خواهد شد .

■ نام فیلم «سه‌آواره» با کمی تغییر به«آواره‌های‌تهران» مبدل شده این فیلم را « بهادی» در «استودیو سینا » کارگردانی نموده و در آن «سپهرنیا ـ گرشا ـ منوسلانی ـ کتایون ، ثریا بهشتی ـ حبیب‌الله بلور، مژگان و علی‌زندی» شرکت دارند . « سعیدنیوندی » فیلمبرداری این فیلم که اکنون آماده نمایش است بعهده داشته است.

■ تادوهفته آینده فیلم ـ برداری فیلم «رستم درقرن اتم» پایان خواهد یافت، این فیلم‌که درگروه سینماهای متحده تهران باشرکت «رضا بیك ایمانوردی ، حبیب‌الله بلور ، علی‌زندی، آرزو، گیسو» بکارگردانی « میر صمد زاده » تهیه میشود .

فیلمبرداری‌این‌فیلم‌را «رضا مجاوری» بعهده دارد .

■ « سالار مردان » آماده نمایش‌شد. درفیلم‌نامبرده «ناصر ملك مطیعی ، فرشید فرزان ، آرزو، حسن‌شاهین‌واسدالله‌یکتا» شرکت دارند و توسط «فمین» فیلمبرداری و «نظام فاطمی»کار ـ گردانی شد»است.

« ملك مطیعی » در «سالار مردان » که بزودی روی پرده خواهد آمد به‌نقش یك‌لوطی‌محل ظاهر شده است .

■ فیلمبرداری صحنه های فیلم «قهوه‌خانه‌قنبر» بپایان‌رسید و هم اکنون مراحل فنی آن در «مهتاب فیلم» طی‌میگردد .

«فریده نصیری . منوچهر صادقپور ، ثریا بهشتی ، اسدالله یکتا ، جهانگیر فروهر، ابراهیم فخار ، فرنگیس‌فروهر، آراسته، رضوان وحسن رضائی بازیگران فیلم مزبور می‌باشند که وسیله « پارس فیلم » تهیه ، « منوچهر صادقپور » کارگردانی و «خانی» فیلمبرداری شده‌است.

■ بعداز اتمام‌فیلمبرداری «یوسف‌وزلیخا»، «محمود کوشان» شخصاً فیلمی‌را در «استودیوپارس فیلم» کارگردانی و فیلمبرداری خواهد کرد‌که جهت ایفای یکی از نقشهای اصلی آن «ظهوری» را درنظر گرفته‌است، عنوان فیلم مزبور وهمچنین سایرهنرپیشگان آنرا در هفته‌های آینده باطلاع خواهیم رساند.

■ پس‌ازوضع‌حمل«گوگوش» . فیلمبرداری «حاجی فیروزه» که بعلت بارداری وی قطع شده‌بود، مجدداً ادامه خواهد یافت،دراین فیلم‌که بطریق « رنگی ـ ایستمن کالر» وسیله «خانی» فیلمبرداری و«شباویز»کارگردانی‌میشود بجز «گوگوش» ، منوچهر وثوق ، قدکچیان ، تجدد نیزبازی‌دارند وباحتمال قوی «آرمان» یکی از نقشهای اصلی آنرا بعهده‌خواهد گرفت .

■ «خواننده‌حنجره‌طلائی» اولین تجربه مستقل «میثاقیه» در زمینه‌کارگردانی است‌که از این هفته مورد قضاوت تماشاگران علاقمند آثار خوب ایرانی قرار خواهدگرفت .

فیلم نامبرده که‌برای‌نخستین بار در آن « اکبرگلپایگانی » شرکت‌نموده‌است ، دربیش‌بیست‌و یك سینمای‌تهران‌وپنج‌شهر بزرگ نمایش داده میشود.

■ نام نخستین فیلم مشترك ایران‌وترکیه به«ماجرای‌تهران» تغییر یافت، دراین فیلم «کارتال تیبت ، فروزان ، فیلیز آرکین و جهانگیر غفاری » شرکت دارند .

هم‌اکنون آخرین صحنه‌های فیلم نامبرده در «اسلامبول» تهیه میشود و تااواخر هفته آینده هنرمندان ایرانی فیلم «ماجرای تهران» بایران عزیمت خواهند نمود .

« ماجرای تهران » توسط «دکتر کوشان» از «ایران» و «آرکین‌فیلم» از «ترکیه» مشترکا تهیه میشود . کارگردانی فیلم به عهده «اینان‌تورکر اوغلی»است.

■ هم‌اکنون‌آخرین‌مراحل مونتاژ فیلم « خشم کولی » در ایتالیا انجام‌میگردد و«اسماعیل ریاحی» کارگردان فیلم مزبور . بهمین منظور هم‌اکنون در «رم» بسر می‌برد .

«خشم‌کولی» بطریق «رنگی ، ایستمن کالر » بکار گردانی «ریاحی» بوسیله «عالمیان» فیلم‌ـ برداری شده‌است.

« فردین ، پوری بنائی ، همایون ، ثریا بهشتی ، حبیب‌الله بلور ، علی‌آزاد ر شهلا» بازی‌ـ گران اصلی این‌فیلم میباشند.

←



● «اکبر گلپایگانی» باتفاق « سهیلا » در نخستین فیلم سینمائی خود «خواننده حنجره طلائی»



● گوگوش وقدکچیان درصحنه‌ای از نخستین‌فیلم‌رنگی «شباویز» موسوم به «حاجی فیروزه»

■ این هفته صحنه های خارجی فیلم قهرمانان که در تهران روی میداد پایان یافت و از امروز هنرمندان فیلم بسوی قزوین حرکت خواهند کرد تا در محل دهکده «ینگه امام» صحنه های لازم را فیلمبرداری نمایند.

تاکنون ۱۰ دقیقه از قهرمانان فیلمبرداری شده است.

■ فیلمبرداری فیلم روسپی محصول جدید میثاقیه ادامه دارد.

«روسپی» اولین فیلم استودیو میثاقیه است که باوجود فیلمبرداری بیش از ۶۵ دقیقه آن هنوز عکسی در اختیار جراید گذارده نشده است. آذر شیوا ـ بیك ایمانوردی ـ قائم‌مقامی بازیگران نخست فیلم مزبور هستند که توسط شاویز فیلمبرداری میگردد.

■ تغذیه مردم تهران، روابط زن و مرد در تهران، مرگ، مسکن، درخت، آلودگی هوا وسروصدا، بازار، ترافیك، مشاغل زیرصفر، کسب‌وکار سهل وآسان، زندگی قسطی، مسئله جوانان، تفریحات مردم، آشغال شهر وابنیه قدیمی «موضوع‌هائی که «دفتر طرح شهر تهران» براساس آنها فیلم تهیه خواهد کرد. تحقیقات مربوط باین مسائل وسیله محققین مؤسسه مطالعات تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران انجام گرفته و تاکنون سناریوهای ۴ فیلم از سناریوی شهر تهران توسط «حسن مشرف آزاد تهرانی ـ ناصر برهان آزاد ـ ناصر تقوائی وهمایون شهنواز» نوشته شده و اینك فیلم‌های «روابط زن‌ومرد» به‌کارگردانی «حسن تهرانی» و «تغذیه‌مردم تهران» بکارگردانی «ناصر برهان آزاد» در دست تهیه‌است.

■ «تکخال» عنوان فیلم تازه‌ای‌است که در «اسکارفیلم» جلوی دوربین رفته‌است.

در «تکخال» رضا بیك ایمانوردی، فروزان، منوچهر وثوق، ثریا بهشتی و آنوش» شرکت دارند.

«فریدون‌ژورك» کارگردانی وفیلمبرداری فیلم نامبرده را به عهده‌خواهدداشت و «آخوندزاده» نیز دراین فیلم «بدل» ایمانوردی خواهد بود.

■ بیش از چهل‌وپنج دقیقه ازفیلم «گربه کور» بکارگردانی «سردار ساگر» فیلمبرداری شده است.

دراین فیلم «داریوش طلائی ـ پروین غفاری و لیلا فروهر» نقش های اصلـی را ایفاء می‌نمایند.

■ تاکنون سی‌دقیقه ازفیلم «آدم‌وحوا» در تهران و آبادان فیلمبرداری شده است. فیلم‌مزبور بطریق «سکوپ و رنگی» وسیله «مصطفی عالمیان» فیلمبرداری و «امیر شروان» در «استودیو میثاقیه» کارگردانی میشود.

«امامعلی حبیبی ـ ناتاشا ـ کتایون ـ حبیب‌الله بلور ـ فرشید فرزان ـ خواجوی ـ اسدالله یکتا ـ مینا ـ سرکوب و عزیز اصلی» بازیگران اصلی این فیلم میباشند. آهنگهای این فیلم‌را «انوشیروان روحانی و بابك» ساخته‌اند و «عهدیه» آنها را اجرا نموده است.

■ باورود «جونیت آرکین» فیلمبرداری صحنه‌های مربوط به «یوسف» آغاز گردید، دراین فیلم بجز «جونیت آرکین»، فروزان، تقی‌ظهوری، علی‌زندی، ثریا بهشتی، عبدی، نریمان، یاسمین، محمد رضا رفیعی وداریوش‌طلائی بنقش «فرعون» نیز شرکت دارند.

صحنه‌های داخلی فیلم «یوسف وزلیخا» که اولین محصول استودیو رودکی است، در «استودیو پارس فیلم» تهیه‌میشود. کارگردانی آنرا «مهدی رئیس فیروز» بعهده‌دارد وفیلمبرداری «یوسف و زلیخا» بطریق «سکوپ رنگی» وسیله «محمود کوشان» انجام میشود.

■ «رضا بیك ایمانوردی» در استودیو «پلازا» فیلمی را کارگردانی خواهد کرد بنام «فرار ازمرز خورشید» که قرار است بصورت «تکنی سکوپ ـ رنگی» فیلمبرداری شود.

در این فیلم «رضا بیك ایمانوردی ـ فرانك میرقهاری ـ آنوش ـ علی زندی ـ ارسی ـ فیروز وچهار ستاره خارجی در نقشهائی کوتاه بازی خواهند کرد.

«ایمانوردی و جمال امید» سناریوی فیلم «فرار از مرز خورشید» را تنظیم نموده‌اند.



● «داریوش طلائی و لیلا فروهر» در صحنه‌ای از فیلم «گربه‌کور»



● «ناصر ملك مطیعی» و «آرزو» در صحنه‌ای از «سالار مردان»



● «حبیب‌الله بلور» در صحنه‌ای از فیلم «رستم درقرن ۲۲»



فیلم و هنر

سال پنجم ـ شماره سی و یکم (۲۱۰)
چهارشنبه ۸ آبان ماه ۱۳۴۷
تکشماره : ۱۰ ریال

